

- یاد خرد و تجربه‌ی خونین خلق (۲)
- مشکل اصلی بر سر راه تعیین نخست‌وزیر چیست؟
- مصاحبه با محمد روزبان
- سخنرانی ریاست هیئت نمایندگی ویت نام
- دیدار رئیس جمهور با نمایندگان انجمن‌های دانشجویان مسلمان
- اطلاعی‌نامه شماره ۲۳ گان توحیدی بشارت



زمانی که دشمنان خلق‌های جهان در گوییدن و نابود کردن جنبش‌ها با هم یکپارچه اند، وحدت و یکپارچگی انقلابیون و مبارزین راه آزادی نیز از ضروریات رسیدن به پیروزی است.

مجاهد شهید علی میهن دوست



# مردم سالروز قیام ۱۵ خرداد را گرامی داشتند

در صفحه ۶



## سخنی با هواداران:

تشکیلاتی بودن اساسی‌ترین الزام پیوستگی  
به یک سازمان گسترده‌ی انقلابی است

ناید امروز دیگر کسر فرد آگاهی را می‌توان یافت که در مورد این مساله تردید داشته باشد که: بدون وجود یک سازمان انقلابی و تشکیلات هدایت انقلاب خلق و دستیابی به فلسفه‌ی پیروزی امری غیر ممکن است. این که یک تشکیلات انقلابی چیست و چه خصوصیاتی دارد حتی است حداکامه و مفصل که دانش تشکیلات و سازماندهی درباره‌ی آن بحث و گفتگو می‌کند، ولی بدون شک یکی از مهم‌ترین خصوصیات و مبرم‌ترین آن هماهنگ کردن نیروها و

## هشدار در مورد تهاجم به خوابگاه‌های دانشجویی

با رشد نیروهای انقلابی که بیشترین نفوذ و با نگاه‌ها را در میان روشنفکران و آگاه‌ترین اقشار جامعه کسب کرده بودند، نیروهای واسکرا بر آن شدند تا با دستاویز قرار دادن واژه‌ی مقدس انقلاب فرهنگی دانشگاهها را به تعطیل بکشند و به حال خودشان دانشگاهها را از دست نیروهای انقلابی خارج کنند. توطئه‌ای که با هشاری دانشجویان مسلمان

## از سرویس خبری مجاهد: گزارشی از کنفرانس بین‌المللی بررسی مداخلات آمریکا در ایران

دوسه‌ی هفده‌گانه (۱۲) خردادماه، کنفرانس بین‌المللی مداخلات آمریکا در ایران، در ساعت ده صبح با حضور هیئت‌های نمایندگی دولت‌ها، احزاب، سازمانها و جنبش‌های آزادی‌بخش سراسر جهان، در هتل استقلال (هتل هیلتون سابق) آغاز به کار کرد. در این کنفرانس حدود ۱۰۰ هیئت نمایندگی که از ۵۴ کشور جهان به ایران آمده‌اند، شرکت دارند. کشورهای شرکت‌کننده در این کنفرانس عبارتند از: آرژانتین - کوبا - آلمان - ویتنام - نیلی - فلسطین - ایتالیا - بولیاریو - سوریه. همچنین کشورهای: بحرین - یمن - نروژ - پاکستان - سری لانکا - هلند - فیلیپین - هند - جکولواکی - زابن - عمان - هنگ‌کنگ - مالزی - عراق - لبنان - آلمان شرقی - اطریش - آلمان غربی - الجزایر - برزیل - اسپانیا - سوئیس - یوگوسلاوی - کانادا - عربستان سعودی - قبرس - لیبی - بلژیک - ونزوئلا - بوسان - بلغارستان - دانمارک - سوئد - اتریش - ایالات متحده‌ی آمریکا - لهستان - مجارستان - فرانسه - مکزیک - دانمارک - گرانادا - انگلستان - اردن - ترکیه - مصر - سوریه.

## جنگ ژوئن نقطه‌ی پایانی یک خط سیاسی

به‌مناسبت سالگرد جنگ شش‌روزه‌ی عرب و اسرائیل

مرزهای ساخته شده‌ی سال ۴۹ رسیده کند. به خصوص این که اسرائیل برای گسترش حیات اقتصادی و نظامی به عبور آزاد از تنگی‌های نرمان و خلیج عقبه نیاز داشت، و نمی‌توانست از سوای‌اشغال این نقاط، که در حوزه‌ی حاکمیت مصر بودند چشم‌پوشد.

انجام دادند. البته ارتش‌های عرب وابسته‌تر از آن بودند که بتوانند فراتر از یک مانور مسخره اقدام فاطمی در برابر اسرائیل انجام دهند. ما نوری که پس از هفت ماه، منجر به شکست مفتضح ارتش‌های عرب و تثبیت و تحکیم موقعیت اسرائیل گردید. هیچ‌گونه اقدام فاطمی انجام ندادند. برای جابجایی ظاهری به خراسان توده‌ها ایشان حملاتی را بر علیه این دولت غاصب و اخلالگر

## "خلع‌ید" و آغاز حکومت ملی دکتر مصدق

(قسمت آخر)

در ششمین قسمت از مقاله‌ی "خلع‌ید" (مجاهد شماره ۸۰) در ادامه‌ی تحلیل وقایع ملی شدن نفت به تجاوز گارتل‌های آمریکایی تحت پوشش بانک بین‌المللی و نیز مسئله‌ی تحریم اقتصادی ایران توسط امپریالیست‌ها در مقاله‌ی ما حرکت مردم ایران انارده شد و آنگاه جریان قیام سی‌تیر و شکست توطئه‌ی ارتجاع به‌طور اختصار مرور شد. اینک به دنباله‌ی این بحث توجه کنید:

ناتیا - در رسیدگی به دعاوی طرفین - از تاریخ ملی‌شدن نفت هیچ قراردادی نباید مورد استفاده قرار گیرد. ثالثاً - به حساب خسارتی که به دلیل محاصره‌ی اقتصادی و ایجاد بواع و مشکلات در فروش نفت ایران به ایران تحمیل شده است، رسیدگی گردد. رابعاً - مبلغ ۴۹ میلیون لیره بابت افزایش حق الامتياز و مالیات و حق سهم ایران در سال ۱۹۵۱ به ایران پرداخت شود. بقیه در صفحه ۷

## بازهم شلاق

### بر پیکر مجاهد خلق!

هر دم از این باغ بری می‌رسد تازه‌تر از تازه‌تری می‌رسد لایب در روزنامه‌های هفتگی پیش‌رای دادگاه انقلاب اسلامی به‌شهر را در مورد تعدادی از چاق‌داران مهاجم به دفتر انجمن جوانان موحده به‌شهر (هوادار مجاهدین خلق) و مسئولین این انجمن خوانده‌اید. بر اساس رای دادگاه انقلاب اسلامی به‌شهر هواداران مجاهدین خلق (که مورد هجوم چاق‌داران قرار گرفته بودند) به ترتیب:

- ۱- به ۵۵ ضربه شلاق و سلب صلاحیت مسئولیت دفاتر سیاسی!
  - ۲- انفصال دائم از خدمات دولتی و سلب صلاحیت برای مسئولیت دفاتر سیاسی.
  - ۳- انفصال دائم از مشاغل دولتی، محکوم شدن و ۴ نفر از چاق‌داران مهاجم نیز به ترتیب به ۱۰-۱۵-۲۰-۳۰ ضربه شلاق محکوم شدند.
- اما جریان امر به‌طور خلاصه‌ای این قرار بود که یک بار در ۲۲ فروردین عده‌ای اوباش به انجمن جوانان موحده حمله و ساختمان انجمن را تخریب می‌کنند. به‌دنبال آن دادستان به‌شهر در یک اعلامیه‌ی دوپهلوی مطالبی را مطرح و اعلام می‌کند که مهاجمین را تعقیب خواهد کرد. سپس در تاریخ ۱۵ اردیبهشت مجدداً ساختمان انجمن مورد هجوم اوباش چاق‌دار قرار می‌گیرد. مهاجمین در مقابل مقاومت حاضرین در انجمن، به ضرب و جرح آنها پرداخته و خرابی‌های زیادی بها می‌گذارند. در اثر این حمله عده‌ی زیادی از برادران و خواهران ما مصروع شده و برادری به نام محمود باقی‌پور نیز یک چشم خود را از دست می‌دهد. دادستان در محل حاضر شده و افراد داخل انجمن را تحت عنوان حفظ جان! توسط پاسداران روانه‌ی مقر سپاه و در آنجا بازداشت می‌کنند. بازداشت شدگان اعتصاب غذا می‌کنند و پس از چند روز آنها را از زندان بیرون می‌کنند، چند نفر از برادران متنی را تهیه و امضا می‌کنند، مبنی بر این که: "در دادگاهی که مهاجمین به انجمن، به عنوان متهم حاضر باشند، ما حاضریم که حقایق را روشن کنیم." سرانجام "دادگاه" تشکیل می‌شود. متهمین ردیف ۱ تا ۴، چهار نفر از مهاجمین به انجمن و متهمین ردیف ۵ و ۶ و ۷ سه نفر از اعضا انجمن بودند. و رای دادگاه پس از رسیدگی‌های لازم! به ترتیبی است که فوقاً ذکر شد. البته یکی از متهمین که اتهام او تحریک زندانیان به اعتصاب غذا بود، تبرئه شد و خواهری نیز که به انفصال دائم از مشاغل دولتی محکوم شده‌ی است که چند روز پس از درگیری به‌شهر به نحو زنده‌ای به وسیله‌ی دو پاسدار دستگیر، بازرسی و مصروب شده و اعلام جرم کرده بود و در دادگاه نیز به عنوان شاهد حاضر بود، اما بدون این که محاکمه شود، موقع قرائت رای احضار شده و حکم صادره را به وی ابلاغ نمودند.

مشروح قضایا و جریان "دادگاه" و اصولاً فلسفه‌ی تشکیل آن را بعداً به اطلاع خوانندگان خواهیم رساند. اما احکام صادر شده در همان محل (شهریاتی) در حضور عده‌ای از افراد شهریانی و برخی از مردم اجرا شد: فرهاد جوادی از اعضا انجمن محکوم به زمین بقیه در صفحه ۴

## مردم گرائی توحیدی و مردم گرائی مبتذل (۹)

تربیتات نظامی به‌کار نولیدی خواهند پرداخت. این عمل باعث می‌شود که از یکطرف روابط درونی ارتش مردم و از طرف دیگر وحدت میان ارتش و خلق، بیش از پیش تحکیم شود. و عنصر نظامی به شکل گسترده‌تری به میان مبارزه‌ی توده‌ها برود؛ به علاوه سربازان یا کارکنان دستگاه‌های مختلف، در اثر کار نولیدی خویش، در شرایط بهتری زندگی خواهند کرد که این خود در پیشبرد مبارزه‌ی آنها کمک می‌نماید. روشن است که وقتی از بسیج توده‌های سخن می‌گوئیم، منظورمان صرفاً یک دعوت هگلانی نیست، بلکه توأم ساختن دعوت هگلانی با رهنمودهای عطی مشخص است. بقیه در صفحه ۷

وسیله و راهی که از نوع همین هدف بوده، و قادر است انرژی عظیم خلق را به‌سلاطین درآورد، "بسیج توده‌ای" است. در بسیج توده‌ای نه فقط توده‌های میلیونی کارگران و دهقانان و سایر اقشار خلق در شهر و روستا، به کار بنای ساختمان نوین اقتصادی می‌پردازند، بلکه واحدهای ارتش، دستگاه‌های دولتی و ارگان‌های حزبی نیز همگی (جز در موارد خاص) برای پیشبرد توسعه‌ی اقتصادی اجتماعی سازمان داده می‌شوند (به دلیل این که پیشرفت در سایر زمینها بدون حل قطعی این مساله، یعنی بسیج انقلابی و ضد استعماری، امکان‌پذیر نیست) مثلاً واحدهای ارتش حتی در فواصل میان نبردها و یا در غیر ساعات

است. به عبارت دیگر ماهیت و جوهر نظام سرمایه‌داری "سود" و "سود - پرستی" می‌باشد. لذا کلبه‌ی شیوه‌ها و راه‌هایی هم که برای توسعه‌ی اقتصادی بر می‌گیرند، تماماً روی این محور، یعنی "سود" می‌چرخد. حال آن که در جهان بینی توحیدی و نظام اقتصادی - اجتماعی مبتنی بر یکپارچگی، از آنجا که ارزش برترین هستی (یعنی تسخیر عالمی و دربرگیرنده‌ی همه‌ی هدفها و ارزشها) خداست، در جریان تولید اجتماعی نیز هدف و غایتی جز خدا و طبعاً پیروزی خلق ندارد. در این نظام، هدف از تولید، بجای فراهم آوردن منافع سرمایه‌داران، تأمین احتیاجات روز افزون تمامی خلق، مد نظر است. برای رسیدن به این هدف

## "بسیج توده‌ای" اهرم اساسی

رشد ضد استثمار توحیدی می‌دانیم که در هر ایدئولوژی کلیه حرکات و فعالیت‌های انسان، و از جمله فعالیت تولیدی او، به خاطر هدفی انجام می‌گیرد که این هدف تعیین‌کننده و ناخوش‌همه‌ی برخورد و روابطی است که با جهان پیرامون نش (طبیعت و جامعه) برقرار می‌کند البته متناسب با تنبیهی که هر ایدئولوژی از وجود دارد، ارزشهای متفاوتی ممکن است به عنوان هدف انتخاب شود. به عنوان مثال سرمایه‌داری (چه کوچک و چه بزرگ) فلسفه‌ی حرکت و تولیدش "سود"



# بازهم شلاق ...

بقیه از صفحه اول

کوبیده شد حکم با شدت اجرا گردید. او در هنگام اجرای حکم مقاومت کرد و می‌گفت: من اعتراض دارم، اما دادستان قبول کرده و می‌گوید: همیشه اعتراض پس از اجرای حکم می‌باشد!

فرهاد را ۵۰ ضربه محکم شلاق زدند و او زیر ضربات شلاق فریاد می‌کرد، اللهاکبر، مرگ بر امپریالیسم ...

پس فرهاد یک ربع برای حاضرین سخنرانی کرد و در ضمن سخنان خود گفت: "ما از زمان طاغوت سابقه شکنجه شدن داریم و از این چیزها باکی نداریم. ولی اعتراض ما به خاطر اینست که دارند انقلاب و اسلام را نابود می‌کنند."

البته فالوورها و اوپاش مباح را نیز به ترتیب ۱۰-۱۵-۲۰ و ۳۰ ضربه شلاق زدند و معلوم است چطور! ...

وقتی در مجلس خبرگان هر گونه "شکنجه" برای کسب اطلاعات در یکی از مواد قانون اساسی قدغن شد، گفتگو و صحبت‌هایی در گرفت که این قید "برای کسب اطلاعات" برای چیست و چرا شکنجه را به طور مطلق ممنوع نمی‌کنند؟

و اینک این مجاهد خلق است که مورد هجوم اوپاشی جنایتکار قرار گرفته، محروم و مضروب و مضموم شده، یک چشم خود را از دست داده، ساختمان احسن عارت و تخریب گشته و در خاتمه سیزدهمین دوره دادرسی دادگاه انقلاب اسلامی باز هم این پیکر مجاهد خلق است که شلاق را تجربه می‌کند. واقعا "که دست مریزاد: آیا واقعا" فرهاد به حق گفت که "ما از زمان طاغوت سابقه شکنجه شدن داریم. ولی اعتراض ما به خاطر اینست که دارند انقلاب و اسلام را نابود می‌کنند؟"

# سخنی با هواداران:

بقیه از صفحه اول

اگر همان اول کار با در وسط راه برخی افراد به هر دلیل هماهنگی را از دست دهند و جهت کسب ربحانها عوض شود نه تنها کمکی به حرکت ما در جهت هدف نخواهد کرد بلکه حتی سببه کار دیگران را هم به عذر خواهد داد. حالاً متکی است حواستان ببرد تنه باشد تا جهت حرکت را خوب فهمیده باشند یا هر علت دیگر. در دانش متاکس این سال را با این قانون بیان می‌کنند که برآید و نتیجه و عداد ریاضی نیروهای غیر هم جهت نمی‌باشد صفر با منفی اگر به همان مثال میل برگردیم اگر هزاران نفر با ستن هزاران رسان خواهند آن بار را حرکت دهد اگر حرکتها- بیان را متنگل و هماهنگ نکنند آن بار سنگین بیزار ساعده تلاش عملا به نفع برودنک خواهد شد و چه سا، در همان غفله‌ای که بود باقی می‌ماند. باز سنگین مبارزه با امپریالیسم و از این سرن بردن‌های اجتماعی هم فقط و فقط در سایه تلاش و کوشش هماهنگ و هم‌جهت افراد امکان پذیر است. یک سنگلاخ انقلابی در واقع با سازمان دادن و هماهنگ کردن تلاشها و فعالیت‌های انفرادی انقلابی یعنی می‌کند غیر خود را در به معضرت رساند. کارزار انقلاب اینست.

پس از ذکر این مقدمه بخواه به نگرانی‌های دیگری لازم است و آن این است که سازمان انقلابی تا وقتی اعضا و هواداران محدودی دارد می‌تواند به سادگی فعالیت‌های آنها را هم‌جهت کند و به اصطلاح تابع تکرویها شود ولی وقتی این سازمان گسترش پیدا می‌کند و به تدریج به میان نوده‌ها می‌رود طما الزامات و مسائل بوسی در زمینه حرکت هماهنگ و متنگل مطرح می‌شود مسئله این که چه سازمان هوادارانی که در سراسر کشور به واسطه اعتقاد به اندولوزی و خطوط سیاسی یک سازمان به فعالیت سیاسی می‌پردازند ولی در عین حال هیچ رابطه مستقیم تشکیلاتی با سازمان مربوطه ندارند.

در اینجا طبیعی است که ممکن است به هر دلیل کارهایی از اوقات اقداماتی از طرف هواداران که رابطه مستقیم با سازمان ندارند عملیاد که هماهنگ و هم‌جهت و دقیقاً منطبق با منی سازمان نباشند. یک سازمان انقلابی قادر است افراد و ارگان‌های را که با آن رابطه مستقیم دارند با آموزشها و برقراری روابط تشکیلاتی در جهت خطوط اصلی "سیاسی - ایدئولوژیک" سازمان دهد. ولی طبیعی است که هماهنگ کردن حرکت توده‌ها پیچیدگی‌های خاص خود را دارد. متأسفانه به دلیل حاکمیت طولانی مدت دیکتاتوری و سرکوب شدن هر نوع تشکل انقلابی، نهنسها

کشف و افشا' شد. و بار دیگر به اثبات رسید که مرتجعین تنها به ضرب جفاک و از طریق تهاجم بر علیه نیروهای انقلابی است که می‌توانند مدت زمانی خود را تحمل کنند و به حاکمیتشان ادامه دهند. البته در صورت انقلاب فرهنگی و تغییر بنیادین و عمیق نظام آموزشی باید بای انقلاب اقتصادی اجتماعی جای هیچ گونه شک و شبهه‌ای نیست و اتفاقاً نیروهای مبرنده که عمر تاریخشان سیری شده به گذشته تعلق دارند) از هرگونه حرکت انقلابی و دگرگونی عمیق و اساسی وحشت دارند: در حالی که نیروهای انقلابی از همان آغاز خواستار دگرگونی اساسی در تمامی رسیه‌ها مرحله فرهنگ و آموزش بودند. منتهی این بار نیز و از انقلاب فرهنگی مثل بسیاری از مفاهیم و متوله‌های انقلابی از محسوی نپی شده و سلسله برای از دور خارج کردن نیروهای انقلابی بکار گرفته شد به هر حال تا کشف این بوطنه طرح به تعطیل کشاندن دانشگاهها در این مرحله با تسکین نواهند و حشش دانشجویی به مرحله بالاتری

# هشدار در مورد ...

بقیه از صفحه اول

انتقال یافت. بررسی موضوعی نیروهای مختلف در این جریان احتیاج به تحلیل جداگانه‌ای دارد که در جای خود به آن خواهیم پرداخت ولی همینجا متذکر می‌شویم که هشاری و موضوعی بجا و اصولی انجمن دانشجویان مسلمان نقش اصلی را در برهم زدن نقشه‌های طرح شده به عهده داشت. خط درست و آگاهانه‌ای انجمن‌ها نه تنها بزرگترین ضربه را به نیروهای واپسگرا و درون دانشگاه وارد ساخت، بلکه در حدا کردن نیروهای چپ‌رو و چپ‌پنا از صفوف نیروهای مترقی و انقلابی نیز نقش مهمی را بازی کرد. اما آیا به این ترتیب خودگامان عقب‌نشینی نداشتند و با این که چون نقشه‌ایشان در این زمینه موفق نشده متصد فرصت مناسبی می‌نستند تا به اصطلاح دانشگاه را قبضه کرده و خود را به روشنفکران تحمیل کنند؟

# خواجگ‌ها ی دانشجویان نقطه‌ی تنها جم بعدی

مخصوصاً ستره‌ی مجاهد و سیر بررسی دقیق اعلامیه‌ها و موضعگیری‌های سازمان درک و شناخت خودمان را از دیدگاهها و خطوط سیاسی سازمان در هر رسته ارتقا، خشم، بوسه ساخت سطحی آنها اکتفا کنیم. طبیعی است که جناح در شرایط مناسب امکان آموزش مستقیم بیست آید. مثلاً: وقتی سازمان از ارتقا صحبت می‌کند ما باید نوشته‌ها و آموزش‌های سازمان را در این زمینه با دقت مطالعه کنیم تا بخواه سوم منظور سازمان از ارتقا چیست و به چه جریای ارتقایی می‌بوید و اگر سبب خود را در این زمینه ارتقا ندیم بدون شک برداشت سطحی و یکی از ارتقا خواهد شد. نکته‌ای که ما علاوه بر آن که سارده‌ی مدارج‌حما را از عمق لازم برخوردار خواهد بود دساوروی نیز به دشمنان برای سطحی‌های سازمان خواهیم داد.

۲- در صورتی که رهشود متحصص در مورد خاصی داده شده است، حتماً خودمان را موظف به رعایت آن کنیم. مثلاً: در مورد دانشگاهها موضع‌گیری سازمان مشخص بود، تکنیک هواداران باسی در حسن مواردی با انضاط کامل از رهشودهای تشکیلاتی پیروی کنند. در این موارد اگر اشکالی باشد و علت موضع‌گیری‌ها درک نشود، باید صی برهبر از کار فردی و گروهی تلاش کنیم، صی سؤال از سازمان غلط این موضع‌گیری را درک کنیم.

۳- جناحی می‌خواهیم فعالیت کنیم، که رهشود تحسیمی در آرزوست از طرف سازمان ارائه شده حتماً باید تلاش کنیم با مسئولین سازمان تاسید بگیریم و در آن زمینه با آنها مشورت کنیم. حتی اگر تلاش در این زمینه باعث شود قدری کار عقب نیفتد، حتماً ویزه اگر کاری حسی و مهم باشد، حتماً باید به مشورت با سازمان و رهشود گرفتن از آن بهای کافی را بدهیم.

۴- اگر در موردی بهر دلیل کاری را فردی انجام دادید و به تکیه بر رهشودها و دستورات سازمانی برای جلوگیری از هرنوع سوءاستفاده‌های فرصت طلبان بر علیه سازمان در تمام مراحل مسئولیت فردی آن کار را به عهده بگیریم، تا به این وسیله در صورت اشتباه بودن آن عمل سازمان حداقل ضربه و صدمه را از آن تحمل نماید.

امید است که دقت و هوشیاری تشکیلاتی هواداران سازمان ضمن ایجاد حداکثر هماهنگی و متنگل بین صفوف مان، ما را در سیر مبارزه‌ی ضد امپریالیستی و دستپاچه‌ی مقله‌های پیروزی و خدمت به رهایی خلق با گام‌های شتابان پیش برد. و نیز با این امید که به تدریج آموزش‌های تشکیلاتی سازمان گسترش یابد تا ضمن هماهنگ‌تر شدن حرکت هواداران سازمان گامی باشد در جهت غنای فرهنگ تشکل در دانش مبارزاتی مبین مان.

چست؟ ... مجریان طرح به تعطیل کشاندن خوابگاهها خوب است قبل از اقدام به این عمل قدری بایندیشند که مساله خوابگاهها از مساله دانشگاهها، در ابعادی حتی حساستر و ظریفتر است. دانشجویان به عنوان قشری از اقشار جامعه که از نقاط مختلف کشور با همدی مشقات و سختی‌ها و ناملاماتی که تحمل کرده‌اند در تهران سکنی گزیدند تا در آینده سرمایه‌های فکری و عملی این مملکت و پشوانه‌ی کیفی همدی دگرگونی‌های اجتماعی - اقتصادی جامعه‌مان باشد.

آیا یک لحظه فکر کرده‌اید که تهاجم به خوابگاههای دانشجویان یعنی چه؟ آیا با دادن رهنه که رزم سابق با حمله و هجوم به خوابگاهها و بازها و بارها کوشید تا این "خانمی دانشجویی" و محل زندگی آنان را از دستشان خارج کند و به محیطی تبدیل کند که مطابق اهداف، برآید و ها و خواسته‌های او زندگی کند. ولی مقاومت دانشجویان رهنده و انقلابی همواره در مقابل این حملات همچون سدی شکست‌ناپذیر آنها را به عقب‌نشینی واداشت؟

فارغ از وجه سیاسی این مساله بعد صغی آن نیز جای مهمی در این معادله اشغال می‌کند. اغلب خوابگاهها مسکن و محل آمایش و زندگی دانشجویان است. دانشجویان مهم خوابگاهها، هزینه‌ی زندگی زار حمله "مسکن شان" را از طریق دانشگاه هستند که وقتی انجمن‌های اسلامی (که به واسطه پیروی از مواضع سیاسی حزبی که به آن وابستند) در صحنه سیاسی روز به روز نیروها - بیان را از دست می‌دهند، تلاش می‌کنند تا با "عملیاتی" غافلگیرانه و جنجال برانگیز در پوش و ازادی مقدس انقلاب فرهنگی "دانشگاه را به تسخیر خود درآورند، و عملاً بسیاری از عناصر آنها ناآگاهانه در خدمت سبایلات احصارطلبان قرار می‌گیرند؛ غافل از این که "حذب نیرو" و به خصوص نیروهای روشنفکر و آگاه در جریان عمل انقلابی و موضع‌گیری‌های درست و اصولی صورت می‌گیرد که به تدریج دربروسه "حذب" و "دفع" نیروها، هر فرد و با هر نیرویی جایگاه واقعی اجتماعی- طبقاتیش را پیدا می‌کند و در ارتباطی متنگل و ارگانیک با جریان اجتماعش قرار می‌گیرد ...

از قرار معلوم این بار برخی عناصر رهبری کهنده‌ی جریانات بدگور، قصد تهاجم و "تسخیر" خوابگاههای دانشجویی را دارند، موهبه‌ها و شواهدی که چه در تهران و چه در شهرستانها با آن مواجه بوده‌ام، خبر از توطئه‌ای در شرف تکوین می‌دهد. که همراه با توقف آموزش در دانشگاهها می‌خواهند خوابگاهها را نیز تعطیل کنند.

**هدف از حمله به خوابگاهها چیست؟**

همانطور که در عملکرد چند ماهی "تسخیر کنندگان" مشخص شده است هدف، تحمیل برنامه‌ها و نقطه‌نظرهای خود بر دیگران است به هر شکل و به هر صورت. مهم نیست که نتایج و عوارض عملی که انجام می‌دهند چه باشد، همانطور که در جریان تهاجم به دانشگاهها دیدیم که چه دانشجویانی که به شهادت رسیدند و چه افرادی که مضروب و زخمی و ... شدند و چه انرژی‌هایی که به هز رفت و ... همانطور که همه‌ی کسانی که از طرح به تعطیل کشاندن دانشگاهها حمایت می‌کردند هیچ فکری برای مرحله‌ی بعد نکرده بودند. اگر منظور دگرگونی بنیادی نظام آموزشی است بایستی مشخص شود که این هدف با کدام برنامه تحقق می‌یابد، توسط چه سیستمی بایستی برنامه‌ریزی شود، چه افراد و جریاناتی صلاحیت شرکت در چنین برنامه‌ریزی‌انقلابی را دارند. نقش شوراها ی دانشگاهها در این رابطه



# ویتنام: هیچ چیز ارزشمندتر از استقلال و آزادی نیست

## سخنرانی آقای لی وان سو، ریاست هیئت ویتنامی شرکت کننده در

### کنفرانس بین المللی دخالت های آمریکا در ایران (تهران دوم تا پنجم ژوئن ۱۹۸۰)

— دبیرکل محترم  
— نمایندگان محترم  
— خام ها، آقایان  
— خواهران و برادران ایرانی  
— دوستان عزیز

از طرف هیئت نمایندگی ویتنام، شرکت کننده در این کنفرانس بین المللی، افتخار دارد ضمن تقدیم گرم ترین تشکرت های خود به کلیه هیئت های شرکت کننده، ستایش و همستگی عمیق خود را از انقلاب اسلامی و مردم جمهوری اسلامی اعلام می دارم.

بزرگترین افتخار است برای ما که احترامات مردم کشور هوشی مینه را به حضور معظم آیت الله روح الله امام خمینی و حیات آقای ابوالحسن علی صدر و رهبران انقلاب اسلامی ایران تقدیم داریم.

اعتقاد راسخ داریم که این کنفرانس بین المللی که ما در حال حاضر در آن شرکت می کنیم به روش نمودن و اثبات حقایق درباره ی مداخلات و جنایاتی که ایالات متحده آمریکا درباره ی مردم ایران مرتکب شده اند کمک خواهد کرد و بدون شک این کنفرانس در تحکیم انقلاب ایران موثر و حواب دستان — شکی به مبارزات تبلیغاتی و سیاسی — شریک های خواهد بود که ایالات متحده بر علیه ایران شروع کرده است.

— نمایندگان محترم  
— خام ها و آقایان  
— دوستان عزیز

گارت با اعزام تعداد زیادی پرسنل نظامی و یگان های دریایی آمریکایی به سواحل ایران، باعث ایجاد وضعیت بحرانی و متشنج شده و صلح و امنیت و تعادل ایران و سایر کشورهای منطقه را به مخاطره انداخته است.

وزارت امور خارجه ی کشور جمهوری سوسیالیستی ویتنام شدیداً حادثه خوبی نظامی اخیر آمریکا را محکوم و ملامت می کند. خواهش می کنیم که دولت های سوسیالیستی و سایر کشورهای آزادیخواه در این باره مواضع خود را اعلام کنند.

امپریالیسم ایالات متحده و دفاع از کشور و اعلام می دارد.

دولت و دولت جمهوری سوسیالیستی ویتنام اعتماد کامل دارد که ملت ایران با حمایت کلیه کشورهای شرقی، خواهد نوشت کلیه اقدامات جنایتکارانه ایالات متحده بر علیه ایران را حتمی نماید.

— نمایندگان محترم  
— خواهران و برادران ایرانی  
— دوستان عزیز  
— آنچه مسلم است، امپریالیسم



هیئت نمایندگی ویتنام در کنفرانس بین المللی مداخلات آمریکا در ایران

ایستایی ویتنام اعتماد کامل دارد که ملت ایران با حمایت کلیه کشورهای شرقی، خواهد نوشت کلیه اقدامات جنایتکارانه ایالات متحده بر علیه ایران را حتمی نماید.

— نمایندگان محترم  
— خواهران و برادران ایرانی  
— دوستان عزیز  
— آنچه مسلم است، امپریالیسم

کارمندان، افسران و سربازان آمریکایی که پس از ارتکاب جنایت بر علیه ملت ما توسط دولت آمریکا به ایران فرستاده شده بودند تا آنچه را که در اینجا انجام داده بودند در ایران تکرار کنند.

برای مثال: سولویان آخرین سفیر آمریکا در تهران برای ما یک ماشین بود در تجاوز نظامی ایالات متحده در طس ظاهرا به منظور زحانی گروگان های آمریکایی، گارت همان روش ها و حتی همان پرسنلی را اعزام کرده بود که دیگر در خاوسر ۱۹۷۰ به منظور زحانی دزدان هوایی آمریکایی که دستگیر کرده بودیم فرستاده بود. این حقیقتی است که در ویتنام هم چون این ایران، سواحل حوشیاری انقلابی مردم با شکست مفتضحانه روبرو شدند.

آغاز دهنده خلاصه ای از اعلامیه ی نورخدی ۲۶ آوریل گذشته را که توسط حکومتی وزارت امور خارجه دولت جمهوری سوسیالیستی ویتنام فرستادند را به سمع برسانم. این عمل تهاجم یک تحریک واضح و آشکار نظامی است که حاکمیت و امنیت جمهوری اسلامی ایران را به مخاطره انداخته و تجاوز به حقوق بین المللی خلقی می شود.

پس از پیروزی ما در سرد دین — سین فو و آزادی کشور از یوغ استعمار فرانسه، امپریالیسم آمریکا به یک حجت تهاجمی بیست ساله بر علیه ما مبادرت کرد و بلافاصله پس از پیروزی تاریخی ما بر ایالات متحده، مراکز گسترش طلب و سرنگی خواه یکن به فعالیت پرداختند ملت ما به گذشته زحیر بزرگ خود هوشی مینه هیچ چیز ارزشمندتر از استقلال و آزادی نیست. سرد بر علیه دشمنان خود را ادامه داده و پیروزی های مداوم کسب کرده است.

افتخار بر ماست که در عهد پیروزی ملت هائی زندگی می کنیم که به خاطر استقلال ملی آزادی، صلح و پیشرفت جامعه ی خود آن چنان می — جنگد که نیروهای بازدارنده ی مرتجع رایجی مقاومت نیست. و نیز این چنین است برای انقلاب ایران، انقلاب پیرومردمانی که خصی ملت های جهان را به تحسین واداشته است و ما اعتقاد داریم که شانز، اقدام تهاجمی، تهدید هیچیک از موارد ذکر شده، قادر خواهد بود این ملت را از راهی که در آن قدم نهاده است بازدارد.

آغاز دهنده در خانه بد نظر قسنتی سرخه "بیاورد" سفکس کننده ی احیای ملت و ارگان مرکزی حزب کمونیست ویتنام می داریم که در روز بعد از عملیات نظامی آمریکا علیه ایران انتشار یافته است. در لحظاتی که سرگرمی آیم — یالیم به تهدید خلقی درخواستی است که به صلح و ثبات خود عتی می ورزد، شریک به طور یکپارچه به سوی ایران نگاه می کند و بی اختیار خود را در کنار این ملت انقلابی که در خاورشیه شهرت دارد قرار می دهد.

ایران سوهائی است از شجاعت و انقلاب یک ملت در سرد علیه امپریالیسم و دزدان بین المللی و این درسی است برای امپریالیسم تجاوزگر و سببی است برای کسانی که مدعی آزادی و تساوی حقوق ستر هستند.

امپریالیسم آمریکا کماکان سیری تجاوزگر و سرکوبگر زمان ماست و مرتجعین دایره ی حکومتی یکن محرکین، همکاران و عوامل ضد — انقلابی به نفع امپریالیسم هستند. ولی حادثه ی هوشی های جنایت بار آنها سروسختی جز شکست ندارد.

— افتخار حاوید بر شهیدان قهرمان انقلاب ایران  
— زنده باد ایران انقلابی  
— زنده باد همستگی دوستانه ملت های ویتنام و ایران

## گزارشی از کنفرانس بین المللی مداخلات آمریکا در ایران

روز فرنی به ملت ما حمل شده است و همور هم از دنبال کردن آن دست برمی دارد. مورد مطالعه و بررسی قرار دهند.

پس از پایان سخنان دکتر سی صدر، آقای نظیراده حتم مراسم افتتاحیه را اعلام نمود و پس از آن سب ساعت نفس حله به ریاست صادق نظیراده تشکیل گردید و آن — گاه احمد سلامان و نمایندگانی از کشورهای یوگسلاوی (اروپا)، سریلانکا (از آسیا)، الجزایر (از آفریقا)، عراق (از خاورشیه)، کوبا (از آمریکای لاسین) به عنوان هیئت رتسه در حانگاه مسفر شدند. پس از استقرار هیئت رتسه در حانگاه، ریاست حله حتم جلسه را

در جلسه ی افتتاحیه ی این کنفرانس پس از تلاوتی چند از آیات قرآن مجید، آقای سلامان دبیر کل کنفرانس ضمن خوشامد گویی به هیئت های نمایندگی شرکت کننده در کنفرانس در سخنانی از سخنان اظهار داشت.

در این کنفرانس ما بر آن هستیم که به همراه شما تاریخ حضور و فعالیت های آمریکا در ایران را عمقا بررسی کنیم. ما امیدواریم به جهانپاس این واقعیت راسخ دهم که برای دهها سال سرنوشت ملت ما بر اساس اراده ی مردم ایران، بلکه در سبھی مصمصات متحده در میانگونی و دبیر ریاست جمهوری آمریکا تعیین می شده است. وی در ادامه ی سخنان گفت: "امپریالیسم آمریکا که در سبھی نفوذ حکومت دیکتاتوری شاه سابع عظمی را در ایران و منطقه از دست داده بود، در حین روزهای کسب آزادی ملت ایران به انواع بوظنه ها و تحریکات دست زد، با اسیب جنابوری اسلامی را منزلزل سازد. از آن به بعد لحظاتی از نعمت این سبب انصاف حاصل نکرد. حله ی نظامی نادر حام احمر آمریکا به ایران بظنه ی اوج بوظنه های مسمر و استکبار گوناگون ملت و با دراز مدت پس از به ثمر رسیدن انقلاب ایران و مبارزات دیگر می باشد.

ما به چشم خود دلایل غیر قابل انکاری را که در این کنفرانس آمده است می بینیم و در بازدید از شهر تهران از ممانعی که این ملت تحمل نموده و فاصله ی ژرفی که در بین آنها با ترومندان حوش گذران عوامل رژیم سابق که آمریکا حامی آنها بوده است، وجود دارد، دگرگون شدیم. ما از غارت بی سبب تروت — های این کشور به خصوص در زمینه نفت توسط ایالات متحده در حیرت فرو رفته ایم. و معتقدیم که به منظور رسیدگی واقعی و تعیین میزان این خسارات تنها به وسیله ی یک بررسی که ممکن است سالها بطول انجامد امکان پذیر باشد.

ما موافق شدیم تا در مرکز شهر از این مجموعه ی ساختمانی بزرگ که سفارت آمریکا بود ما ست بازدید کنیم با اتکا به همین تجربه ی کم، قادریم تأیید نماییم این محل مرکز کلیه مداخلات آمریکایی بوده است. درست همانند گذشته در جنوب کشور خودمان.



کنفرانس بین المللی مداخلات آمریکا در ایران، دلیلی دیگر بر محکومیت امپریالیسم آمریکا

در باره ی سبب سلب سلب حاتی رژیم شاه و نفس مستاران نظامی آمریکا در سازماندهی ارتش ایران ادامه داد، و در پایان ضمن اشاره به فراردهای نظامی مابین ایران و آمریکا و اعزام مستاران نظامی آمریکایی به ایران، سوابق انعقاد و فروش اسلحه و همکاری های نظامی رژیم شاه را تشریح کرد.

پنجمین سخنران جلسه آقای لاریجانی بود، وی در سخنرانی خود

در ساعت ۱۲ اعلام کرد و ادامه ی کنفرانس به ساعت ۳ بعد از ظهر موکل گردید.

در دومین جلسه ی کنفرانس که در ساعت ۳ بعد از ظهر برگزار گردید اسناد آقای سعید سنجابی به عنوان اولین سخنران، تاریخچه ی مداخلات و جنایات آمریکا در ایران را برای شرکت کنندگان تشریح کرد، و سپس آقای سمن اردکانی سفیر ایران در کربت به عنوان دومین سخنران ضمن اشاره به مسئله ی کاپیتولاسیون و مداخلات آمریکا در ایران جنایات آمریکا را در

می کرد، در رأس هرم و مرکز فرماندهی سفارت ایالات متحده ی آمریکا و مستار نظامی این کشور قرار داشت. عملاً امور ایران از واکنش اداره می شد. ۲۵ سال ایالات متحده سبباً همه ی امعاد زندگی مردم را تحت نفوذ سلطه ی خود در آورده بود.

دکتر سی صدر در پایان سخنان خود گفت: "ما از شما نمایندگان افکار عمومی جهانی دعوت کرده ایم، تا در این نشست سرنوشت دردناکی را که سلطه ی آمریکا بر ایران مدت یک



# جنگ ژوئن نقطه‌ی پایان یک خط سیاسی

بقیه زصفحه اول

## دیدار رئیس‌جمهور با نمایندگان انجمن‌های دانشجویان مسلمان

به دنبال اعلام تعطیل دانشگاه - ها زمره‌هایی در مورد تعطیل شدن خوانگاه‌ها و بخصوص نگرانی - هایی در مورد وضع دانشجویان دانشگاهان وجود دارد که در اعلامیه‌ی محفل دانشجویان و اساتاد و همچنین در نامه‌هایی با مقامات ملکی مطرح شده است. نمایندگان انجمن‌های دانشجویان مسلمان دانشگاه‌ها و مدارس عالی در ساعت ۲/۳ بعد از ظهر روز یکشنبه ۳/۱۱ برای طرح مسائل فوق و حل قطعی آن با آقای بنی‌صدر در حضور اعضای شورای انقلاب در محل دفتر ریاست جمهوری با اساتاد دیدار داشتند. نمایندگان دانشجویان ضمن اعلام آمادگی برای همکاری در زمینه‌های مختلف بخصوص در ایام تابستان در مورد مسئله تعطیلی دانشگاه‌ها و جلوگیری نسیم نظام آموزشی و همچنین مسئله تعطیلی خوانگاه‌ها مشکلات خود را بیان نمودند. و ضمن اظهار نگرانی از سرنوشت دانشگاه‌ها ابراز داشتند که جریان‌ها نشان می‌دهد که تغییر نظام آموزشی و تعیین سرنوشت دانشگاه‌ها قرار است به نحوی انحصار طلبانه و بدون حضور کلیه‌ی اقشار دانشگاهی انجام پذیرد. چرا آتپوری که در گوشه و کنار بیان شده است، قرار است که دانشگاه‌ها به مدت نامعلومی تعطیل گشته و در بهای دانشگاه‌ها به طور کلی بروی دانشجویان بسته شود. چنانکه در بعضی موارد از ۲ سال تعطیلی بابت سرنوشت دانشگاه‌ها است. دانشجویان ضمن طرح موارد فوق با آقای رئیس‌جمهور با توجه به حساسیت مسائل مختلف ملک خوستار رسدگی به مشکلات خود شدند. در این مورد آقای رئیس‌جمهور ضمن اشاره به بی-مورد بودن این گونه نگرانی‌ها اظهار داشتند که بایستی نظر تمام دانشجویان در تعیین سرنوشت

دیدار رئیس‌جمهور با نمایندگان انجمن‌های دانشجویان مسلمان - ها زمره‌هایی در مورد تعطیل شدن خوانگاه‌ها و بخصوص نگرانی - هایی در مورد وضع دانشجویان دانشگاهان وجود دارد که در اعلامیه‌ی محفل دانشجویان و اساتاد و همچنین در نامه‌هایی با مقامات ملکی مطرح شده است. نمایندگان انجمن‌های دانشجویان مسلمان دانشگاه‌ها و مدارس عالی در ساعت ۲/۳ بعد از ظهر روز یکشنبه ۳/۱۱ برای طرح مسائل فوق و حل قطعی آن با آقای بنی‌صدر در حضور اعضای شورای انقلاب در محل دفتر ریاست جمهوری با اساتاد دیدار داشتند. نمایندگان دانشجویان ضمن اعلام آمادگی برای همکاری در زمینه‌های مختلف بخصوص در ایام تابستان در مورد مسئله تعطیلی دانشگاه‌ها و جلوگیری نسیم نظام آموزشی و همچنین مسئله تعطیلی خوانگاه‌ها مشکلات خود را بیان نمودند. و ضمن اظهار نگرانی از سرنوشت دانشگاه‌ها ابراز داشتند که جریان‌ها نشان می‌دهد که تغییر نظام آموزشی و تعیین سرنوشت دانشگاه‌ها قرار است به نحوی انحصار طلبانه و بدون حضور کلیه‌ی اقشار دانشگاهی انجام پذیرد. چرا آتپوری که در گوشه و کنار بیان شده است، قرار است که دانشگاه‌ها به مدت نامعلومی تعطیل گشته و در بهای دانشگاه‌ها به طور کلی بروی دانشجویان بسته شود. چنانکه در بعضی موارد از ۲ سال تعطیلی بابت سرنوشت دانشگاه‌ها است. دانشجویان ضمن طرح موارد فوق با آقای رئیس‌جمهور با توجه به حساسیت مسائل مختلف ملک خوستار رسدگی به مشکلات خود شدند. در این مورد آقای رئیس‌جمهور ضمن اشاره به بی-مورد بودن این گونه نگرانی‌ها اظهار داشتند که بایستی نظر تمام دانشجویان در تعیین سرنوشت

هیجانی بود که احساسات اعراب را به اوج رساند. اما بحران به اوج خود رسیده و احتمال برخورد نظامی بالا گرفته بود. در این موقع ناصر که متوجه وخامت اوضاع شده بود، دست‌آشتی- جوانمندی به خود گرفت و ضمن گفتگو با اوتانت (دبیرکل سازمان ملل که با عجله به قاهره آمده بود)، موافقت نمود که مقررات جدیدی تنظیم شود و کشتی‌های اسرائیلی، در صورتی که مبادرت به حمل مواد استراتژیکی نکنند، حق عبور از تنگه‌ی تیران را داشته باشند، اما این پیشنهاد در اسرائیل، که کفای قدرت سیاسی به سرعت به نفع جناح نظامی (بن‌گوریون - دایان - شیمون پرزو - بگین) سنگین شده بود، با سردی و مخالفت روبرو شد.

روز ۲۸ مه، ناصر در یک کنفرانس مطبوعاتی، ضمن خطبه‌ی شدیدی به آمریکا و اسرائیل، پیشنهاد کرد که کمیسیون مشترک آتش‌بس بین مصر و اسرائیل کار خود را از سر بگیرد و مشکل فلسطین نیز به واسطه قدرت‌های بزرگ حل شود. اما اسرائیل تصمیم خود را گرفته بود. رابین تا کفید می‌کرد که: "هر روز بیش از پیش معلوم می‌شود که تنها قدرتی که در این کشور می‌توان بر آن تکیه کرد ارتش است".

پیروزی چشمگیر مصر و فشار افکار عمومی توده‌های عرب، باعث شده بود که دولت‌های مرجع عرب نیز، که پیش از این مخالف هر نوع درگیری با اسرائیل بودند، حالا فرصت طلبانه پیش بیایند و "مبارز" ناصر را به این فکر واداشت که نوطه‌های به منظور تضعیف و ساقط کردن رژیم او، از طرف آمریکا و اسرائیل، در جریان است و باید در مقابل آن واکنش نشان دهد.

### اسرائیل در انتظار جنگ

تفویت و تمرکز نیروهای اسرائیلی در مرزها ادامه داشت و روابط مصر و آمریکا به سردی گرایده بود. ناصر با تردید به سمت جنگ پیش می‌رفت. زیرا از یک طرف به قدرت نظامی اسرائیل و حمایت قاطع آمریکا از آن واقف بود و از طرف دیگر نمی‌توانست در مقابل انتظار دولت سوریه و توده‌های عرب که او را همچون سمبل ناسیونالیسم عرب می‌سنودند، بی‌تفاوت بماند.

به هرحال روز ۱۴ مه ۱۹۶۷، ستون‌هایی از ارتش مصر در خیابان‌های قاهره رژه رفتند و سپس اعزام صحرائی سینا شدند. ۱۸ مه مصر خواستار خروج نیروهای سازمان ملل از مصر شد و سه روز بعد نیروهای مصری در ترمالینخ و تنگه‌ی تیران جای آنان را گرفتند. ۲۳ مه، ناصر خلیج عقبه و تنگه‌ی تیران را به روی کشتی‌هایی که نفت و مواد استراتژیکی به اسرائیل می‌بردند، بست. بسته شدن تنگه، عامل

و به این وسیله برای استعمارگران عربی و اسرائیل خطری جدی ایجاد نمودند. ناصر با اتخاذ مواضع صحت امپریالیستی، دست به اقدامات چشمگیری در جهت منافع توده‌های مصری و عرب زد. اقتصاد مصر را تا حد زیادی زورتنسکی و وابستگی نجات داد و با اقدام انقلابی در مورد ملی‌کردن کانال سوئز، زمینه‌ی استقلال واقعی مصر را بی‌پزیر کرد. این اقدامات ناصر، از او، در میان توده‌های تحقیر شده و ستمدیده‌ی عرب، قهرمانی ساخت که نجات و آزادی خود را در او می‌جستند. کشورهای استعمارگر اروپایی و اسرائیل که از ظهور چنین قطبی در دنیای عرب نگران شده بودند، به خصوص پس از ملی شدن کانال سوئز در صد حمله به مصر برآمدند. به همین علت در اکتبر ۱۹۵۶ پس از

امضای یک موافقتنامه‌ی سری میان پاریس، لندن و تل‌آویو، ارتش اسرائیل به کمک ارتش‌های فرانسه و انگلیس، وارد صحرائی سینا شد و پس از عقب نشاندن واحدهای پراکنده‌ی ارتش مصر، به کانال سوئز رسید. بالاخره با واسطه سازمان ملل متحد نیروهای اسرائیلی از صحرائی سینا و غزه خارج شدند و در عوض نیروهای سازمان ملل متحد در تنگه‌ی تیران و ترمالینخ مستقر گردیده و عبور آزاد کشتی‌ها را از تنگه تضمین نمودند. از این پس، تحت حمایت نیروهای سازمان ملل، و از دو کیلومتری ساحل مصر، کشتی‌های اسرائیلی، نفت و مواد استراتژیکی را به آسانی از آن‌های ساحلی مصر عبور می‌دادند و با اسرائیل می‌رسانند! این برترکسین موقعیتی بود که اسرائیل از جنگ سوئز بدست آورد.

البته هرچند ارتش مصر در عسکارت نظامی کانال سوئز شکست خورد ولی پیروزی ناورنگردنی ناصر در ملی‌کردن کانال سوئز و درگیری او با رژیم‌های ارجحی و وابسته‌ی منطقه او را به عنوان مظهر ناسیونالیسم عرب و قهرمان صد استعماری توده‌های عرب در جهان مطرح ساخت. قاهره نیز از این پس به مرکز نقل دسای عرب بدل گشت.

### زمینه‌های جنگ

سال ۱۹۶۵ قاسم، رئیس‌جمهور عراق، تصمیم به شناسایی رسمی "موجودیت فلسطین" گرفت و یک واحد نظامی از داوطلبان فلسطینی تشکیل داد. سال ۱۹۶۴، سوریه خواستار ایجاد یک کمیته‌ی نظامی در اتحادیه‌ی سران کشورهای عرب گردید. سال ۱۹۶۴، ناصر ضمن شناسایی از "موجودیت فلسطین"، طرح ایجاد یک فرماندهی واحد

### گزارشی از کنفرانس بین‌المللی...

سخنرانی نماینده‌ی سازمان همبستگی وحدت آفریقا، آسیا، آمریکا لاتین "خانم ملیا هرناندز" از کوبا آغاز به کار کرد و به دنبال آن تعدادی دیگر نمایندگان شرکت کننده در کنفرانس پیام‌های خود را قرائت کردند و بقیه سخنرانان به روز بعد موکول گردید. در سومین روز کنفرانس نمایندگان شرکت‌کننده ابتدا به دیدار امام خمینی رفتند، و در جلسه‌ی بعد از ظهر که در ساعت ۳/۵ تشکیل گردید سخنرانی‌های دیگر نمایندگان باقی مانده، ادامه یافت. در این جلسه نیز عده‌ای دیگر از نمایندگان شرکت کننده موفق به قرائت پیام‌های خود نشده و بدین جهت قرائت بقیه پیام‌ها به روز بعد موکول شد. در صبح روز پنجشنبه در چهارمین روز کنفرانس نمایندگان شرکت‌کننده، به دیدار شرافهان رفته و پس از بازگشت از اسفهان جلسه‌ی رسمی چهارمین روز کنفرانس در ساعت ۶/۵ بعد از ظهر آغاز بکار کرد. در این جلسه نیز بقیه‌ی نمایندگان به قرائت پیام‌های خود ادامه دادند. پس از پایان سخنرانی‌های تمامی نمایندگان قرار است در این جلسه که کنفرانس به پایان می‌رسد، قطعنامه‌ی صادر گردد. ما در شماره‌های آینده گزارش آخرین جلسه‌ی کنفرانس همراه با پیام‌های نمایندگان دولت‌ها، احزاب، جمعیت‌ها و سازمان‌های انقلابی و مترقی شرکت‌کننده در این کنفرانس را درج خواهیم کرد.

شکست ژوئن، نه فقط به لحاظ سیاسی بلکه به لحاظ اجتماعی نیز تجربه‌ی بزرگی را در بطن خود نهان داشت. این شکست در عین حال اعلام ورشکستگی خردمبوروژوازی عرب بود که با اتخاذ شیوه‌های بینابینی و عدم اتکا، کامل به راه حل‌های ضد-استعماری و توده‌ای، داعیه‌ی حل مشکلات خلق‌های عرب و فلسطینی را داشت ولی همچون همیشه به شکست انجامید و به بن‌بست رسید. عاقبت محتوم چنین راه حل‌های بینابینی، که با پذیرش عقلی استعمار-هرچند در ابعاد کوچک- لاجرم سر برآستان بورژوازی می‌سایند، آن چنان شوم و بدشگون است که حتی بزرگ‌ترین شخصیت‌های سیاسی را به ورطه‌ی هلاک می‌کشاند و در ادامه‌ی خود ولادت نامبارک و حرام موجودی چون سادات را همدار می‌دهد.

روز دوشنبه پنجم ژوئن ساعت ۷ صبح به وقت محلی هواپیماهای نیروی هوایی اسرائیل از پایگاه‌های خود برخاستند و در مدتی کمتر از دو ساعت نیروی هوایی مصر را نابود

### پیام دشمن به شما رسید!

این کیست؟  
این مبلغ خاموش...  
کاین گونه راه  
می‌سپرد  
آرام...  
در چهره‌ی نجیب عزیزش  
آزم را، شکوفه  
هزاران  
- آن‌ها لای که بهترین نجات  
در دید عام، داده تجلیش...  
\* \* \*  
در پیش رو، دو دست مطهر  
یکدسته "روزنامه" فشرده

تا با فروش تک تک آن  
بازی  
بازی دهد گروه "مجاهد" را  
\* \* \*  
ای یاولان شوم بی‌آزم!  
آخر کدام کافر گستاخ،  
مظلومی این چنین را  
می‌تواند؟  
مرهم اگر نماید به زخمی  
بازی پیام دشمنه نباشد!  
م. ب.  
۵۹/۱/۲۸ - کرمانشاه



بقیه از صفحه ۱۰

# مردم گرائی توحیدی و مردم گرائی مبتذل

● توسعه‌ی اقتصادی مبتنی بر نگرش انقلابی - توحیدی، یک توسعه و رشد عادلانه است که با قی بلند مدت  
 آن رفع کامل فاصله‌ی طبقاتی و استقرار نظام یگانگی و توحید است  
 ● در نظام توحیدی هدف از تولید، به جای فراهم آوردن منافعی برای سرمایه‌داران، تأمین احتیاجات روزافزون  
 تمامی خلق، مدنظر است. برای رسیدن به این هدف تنها وسیله راهی که از نوع همین هدف بوده و قادر  
 است انرژی عظیم خلق را به سیلان درآورد، بسیج توده‌ها است.

است تاکید کنیم که شوهی توسعهی اقتصادی عادلانه، ممکن است در مراحل اولیه و به طور ناگهانی و کوتاه مدت، موجب افت تولید گردد و یا ما را با تنگناها و مشکلاتی در سر راه توسعهی اقتصادی مواجه گرداند لیکن به علت آنکه این سیه بر عنصر انسانی و بسیج توده‌های مردم و مقدم تمدن عنصر اندنولوژیک بر عنصر ابزاری، در درازمدت جهش اقتصادی و رشد اصیل و صد استناری جامعه را نامیس خواهد کرد.

در همان خطبه ۱۵، حضرت علی (ع) بلافاصله پس از تاکید بر اصل توسعهی عادلانه، خاطرنشان می‌سازد که اگر این راه به ظاهر با دشواری‌ها و تنگناهایی توأم است، راه غیرعادلانه‌ی رشد، بطور قطع، تنگناهایش در درازمدت بیشتر است و من شاق علیه العدل فالجور علیه افسق. هم چنین قرآن در آیه ۲۸ سوره توبه پیماز اعلام پلیدی سیاسی مترکین و قطع ارتباط آنها با خانه حرم خدا، خطاب به آنها می‌کند (بدون توجه به نیروی خلاق و عظیم توده‌ها) می‌ترسد در اثر فقدان روابط سیاسی و اقتصادی با دشمنان خدا و خلق، دچار تنگناهای اقتصادی گردند صریحاً می‌گوید: "وان حتم عیلة فوسف یفتیکم الله من فضله ان شاء ان الله علیم حکیم"

و اگر از فقر و تهیدستی می‌ترسید، پس به زودی خدا اگر بخواهد شما را از فضل خود بی‌نیاز خواهد گردانید. به درستی که او دانای حکیم است.

ملاحظه می‌شود که قرآن صریحاً اعلام می‌کند که از تنگناهای اقتصادی موقتی ناشی از حرکت‌های اصولی و انقلابی نباید بهراسید؛ و تبعیت از ارزش‌های شیطانی و ضد تکاملی علیرغم این که ممکن است در کوتاه مدت قدرتمند و راضی نماید، در درازمدت و به طور استراتژیک چنین حرکت و تبعیتی محکوم به شکست و فساد است. بر عکس پیروزی واقعی در همه‌جایی با مسیر تکامل و روی آوردن به جنبش توده‌هاست؛ و در نهایت این سرچشمه‌ی جهان خدا و خلق است که گشاینده‌ی همتان تهیدستی‌ها و تنگناهاست. در غیر این صورت هر قدرت و گشایش اقتصادی ضد تکاملی سرانجام محکوم به اضمحلال و ورستگنی است، و سرانجام رهسار دامن زشتکاری و انحطاط خواهد شد.

(ادامه دارد)

می‌آوردند. از حساب‌بایان بر تو و بالعکس هیچ چیز نیست، پس تو با راندن ایشان از ستمکاران خواهی شد) شان نزول این آیه را عیناً از حاشیه قرآن نقل می‌کنیم:

" گروهی از "مولفه قلوبهم" ( کسانی که پیغمبر می‌خواست جذبشان کند) به پیامبر درآمدند و گرد او مشت درویش و بیبنا چون بلال و عمار نگرستند، پسند نداشتند در آن انجمن شوند، با پیامبر گفتند، سفاری ایشان و سران بر تو درآیند و ما را بشناسند چون با این جمع گدا و تهیدست هم‌نشین ببینند شرمزده شویم. بقوما تا ما در انجمن هستیم، ایشان لختی دور شوند، آنگاه که ما برون شدیم با هر که خواهی نشین. پیغمبر آهنگ آن کرد که این سخن بپذیرد و علی را فرمود بدآنچه خواستند، پیمانی بنویست ( پس آنها رفتند و شروع به نوشتن پیمان کرد)، ناگهان جبرئیل پیامد و این آیت بیارود. پس پیامبر نوشته به دور افکند (آن قراردادی را کمشروع نوشتنش با طرفین افراد بود، پاره کرد) روی بهاران خویش کرد، بسی در تقرب آنان گویشد (برای این کلمات را به خود نزدیک کند) و چنددانشان نزدیک خویشش نشانید که زانویش به زانوی ایشان شود. وقتی "لختی دوری" از توده مردم محروم، باعث چنین عتابی به پیامبر می‌شود، به نحوی که قرارداد منقده پاره و دور افکنده می‌شود، دیگر مصرف قرآن در برابر راه‌حل‌های سرمایه‌داری و چشم دوختن به امکانات و سرمایه‌ی امپریالیستی (به جای تکیه بر نیروی خلق) احتیاجی به تشریح ندارد.

در این مورد حضرت علی (ع) جمله‌ی کوتاه فوق‌العاده بر معنی‌ای دارد که به حق بایستی آن را راهگشا بدانیم. در خطبه ۱۵ نهج‌البلاغه پس از آن که بر تصمیم خویش مبتنی بر بازگرداندن ثروت‌های خلق به صاحبان اصلی آنها، تاکید می‌کند، اعلام می‌دارد:

" فان فی العدل سعۃ " (گشایش توحید در عدل است). یعنی راه توسعه اقتصادی سواره عادلانه است (راه خلقی است نغراء غیر - عادلانه‌ی سرمایه‌داری). او در تمام مدت حکومت چند ساله‌ی خود نیز به همین راه رفت. در نامه‌ی به مالک اشتر نوشت:

و لیکن احب الامور الیک اوسطها فی الحق واعصها فی العدل، واجمعها لرضی الرعیة، فان سطح العالمة یجحف برضی العالمة، و ان سطح العالمة یخترق رضی العالمة" ( کاری که باید بین ازهر چیز برایت مطلوب باشد، پایداری اصولی در مواضع حیطلانه، و نودهای کردن و همگانی نمودن آن در برابری و عدل است. به نحوی که پیشتر سب خشودی و رضایت اکثریت مردم گردد. زیرا خشم همگان، و رضا و خشنودی اقلیت معنای را پایمال می‌سازد. ولی خشم اقلیت معدود و معنای در برابر خشنودی توده‌ی مردم اهمیت ندارد.)

در همین نامه تصریح می‌کند: " و اما عمودالدین و جماع المسلمین والعدۃ للعالمة من مسئولیت " ما سرور فرستادیم، اصلاً حادته اتفاق نیافتاد. نباید تحت آزاد کنیم، شما جهان بینی‌تان حرات است، افراد مسلح مسئول درگیری سیاسی مردم مستند است که کارهای سیستم، دست همه‌ی ما سته است، بالاترهای باید تصمیم بگیرند و... جمع ۵۹/۲/۲۶: نمایندگان کانون با در دست داشتن سند

مالکیت خانه جهت تحویل گرفتن محل کانون به خانه‌ی مزبور مراجعه کردند، گفتند ما زور داریم و سعی کردیم کسی وارد خانه شود. درگیری سیاسی مردم مستند است که کارهای سیستم، دست همه‌ی ما سته است، بالاترهای باید تصمیم بگیرند و... جمع ۵۹/۲/۲۶: نمایندگان کانون با در دست داشتن سند

هیچ نیروی دیگری جانشین نیروهای توده‌های میلیونی نخواهد شد. این نیرو قادر است بسیاری مسائل و مشکلات اجتماعی (نظیر مشکل بیکاری، مسکن و...) را نیز به سادگی حل کند. در اینجا بایستی این نکته را نیز متذکر شویم که بسیاری از گروه‌ها و مشکلات اقتصادی، تحت الشعاع عنصر سیاسی (و در نهایت عنصر ایدئولوژیک) حل می‌شوند. یعنی حل آنها در برنو موضع‌گیری درست سیاسی و پیش - بردن مبارزه در یک مسیر صحیح و اصولی، میراست. به عنوان مثال در مرحله‌ی کنونی، می‌توان گفت که در کشورهایی که هنوز ریشه‌های امپریالیسم به طور کامل بیرون آورده نشده، عمده‌ی مسائل اقتصادی و اجتماعی، با بسیج انقلابی تمام خلق علیه امپریالیسم، قابل حل است. طی چنین سازش‌هایی است که می‌توان ثور و حرکت انقلابی توده‌ها را برانگیخت و در جریان حرکت، مسائل را به سمت حل شدن برد. بدون داشتن یک خط مشی سیاسی درست، نمی‌توان توده‌ها را بسیج کرد، و بدون بسیج توده‌های هیچ ساله و مشکلی را اساساً نمی‌شود حل کرد. یکی از انقلابیون نامدار معاصر در این مورد می‌گوید: " توسعه‌ی اقتصادی عملی غیر اقتصادی است. توسعه‌ی اقتصادی بسیج توده‌ها است؛ و بسیج توده‌ها در یک جنگ انقلابی دراز - مدت امکان پذیر است..."

نظری به قرآن و عملکرد حکومت علی (ع)

گفتم که از نقطه نظر ایدئولوژی توحیدی، یک فعالیت و رشد اقتصادی را وقتی می‌توان "توحیدی" نامید، که سکی بر وسیع‌ترین توده‌های خلق بوده، و در نهایت نیز منافع عالی‌های آنها را در نظر داشته باشد. به نحوی که ستم‌گیری آن به

تکلیف مردم حمله کردن به گروه یا جمعیتی که اجازه فعالیت دارد، به نفعی تعویب روحیه سلطه‌گری و هرج و مرج طلبی است، اما جواب - هائی که به ما دادند مجموعاً "روال مشخصی داشت: "عدم قبول

در اطلاعیه شماره ۲ کانون توحیدی بشارت

همه‌ی آنها را در جریان نوظطنهای مساعفانه تحت نام اسلام و مردم در حال شکل‌گیری بود، قرار دادیم و

در این رو همواره بایستی با تحلیل مشخص از شرایط "اقتصادی - اجتماعی" و موقعیت اقشار و طبقات خلق در هر جامعه، شیوه‌ها و اشکال مناسب بسیج توده‌ها را در شهر و روستا پیدا کرد. مثلاً بسیج توده‌های در روستا، اساساً از طریق جایگزین ساختن تدریجی اصول کار دسته - جمعی کشاورزی و گردآوردن میلیون‌ها دهقان در کنویرتوهای توده‌های ( واحد‌های دسته‌جمعی کشاورزی در رشته‌های مختلف تولید، فروش، اعتبارات، تأمین جوائح و...) امکان‌پذیر است. این راهی است که اکثریت عظیم دهقانان را نیز از فقر و خانه خرابی نجات داده و سطح رفاه و آسایش روستا را بالا خواهد برد.

به همین ترتیب در شهرها نیز انرژی و قابلیت توده‌های وسیع، به شیوه‌ای مناسب در راه بهبود و تجدید ساختن سیستم اقتصادی کشور بکار گرفته می‌شود. میلیون‌ها کارگر و زحمتکش شهری از این طریق امکان می‌یابند تا با نیروی خلاق و استعداد ارزنده‌ی خود، بنای جامعه‌ی آزاد، آباد و معاری از بهره - کتی را آغاز نمایند.

اکثریت عظیم توده‌ها در شهر و روستا این راه را داوطلبانه و با کمال میل انتخاب می‌کنند، و آن را بر فقر و ورستگنی، مزدوری و اسارت سرمایه، ترجیح می‌دهند. آنها هم چنین علیه بوروکراسیم مبارزه می‌نمایند و خود کشورشان را اداره خواهند کرد.

به این ترتیب با انتخاب این شیوه برای توسعه‌ی اقتصادی، عنصر سرمایه بحال رشد پیدا نخواهد کرد؛ از تعداد موسات بزرگ و سرمایه - داران ثروتمند گسته می‌گردد، و راه برای غلبه‌ی عنصر ضد استناری هموار می‌گردد.

در برنو این سیاست‌های توده - ای، مصاف با افزایش کنترل حکومت بر زمین‌های تعیین‌کننده اقتصاد ملی (صایع، بانکها، راه‌آهن، حمل و نقل، تجارت خارجی و...) به تدریج مطلق استناری صاحبان سرمایه محدود شده و کام‌های فاطمی در جهت اعاده‌ی حقوق اکثریت مردم برداشته خواهد شد.

چنین است که نیروی عظیمی که طی سالیان دراز در روابط استناری به زنجیر کشیده می‌شدند، در جریان این بسیج انقلابی، آزاد شده و در مسیر رشد اصیل و ضد استناری توحیدی جامعه شکوفا خواهند گشت.

## نظری به قرآن و عملکرد حکومت علی (ع)

گفتم که از نقطه نظر ایدئولوژی توحیدی، یک فعالیت و رشد اقتصادی را وقتی می‌توان "توحیدی" نامید، که سکی بر وسیع‌ترین توده‌های خلق بوده، و در نهایت نیز منافع عالی‌های آنها را در نظر داشته باشد. به نحوی که ستم‌گیری آن به

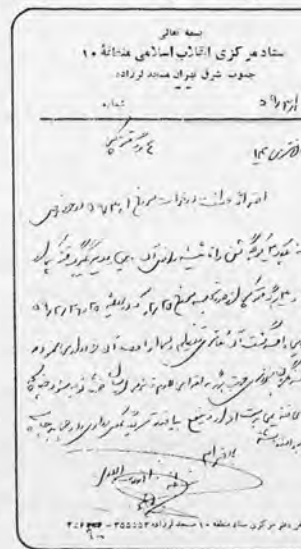
## اطلا عیهی شماره ۲ کانون توحیدی بشارت

در اطلاعیه شماره یک کانون توحیدی بشارت توضیح دادیم که فالانزها، مرتجعین و معرهای ستمگرا، چه آبهائی که در صحنه حضور داشتند و رفت و آمدهای مسکوک و دل‌سوزی‌های دروغسنان، سانگر نیات پلیدشان بود، و چه آبهائی که از پشت صحنه همه‌ی جریانات راه‌دستی می‌کردند، چگونه برخورد کردیم حال می‌خواهیم قسمتی از اقدامات! و بی‌گیری‌های! به اصطلاح همه‌جانبه‌ی عده‌ای از مقامات مسئول را؟! تا آخائی که ما در بنوان داشتیم و توانسیم با امکانات بسیار اندک آنها نخاس برقرار کنیم برای مردم عزیزمان خصوصاً مادران و پدران منطقه‌ی میدان خراسان شرح کنیم که چرا وقتی مساله بر سر گرفتن و رذن و نوسین کردن به نیروهای انقلابی و اشغال کردن جا و مکان‌شان باشد، به سرعت حکم صادر می‌شود و به مورد اجرا در می‌آید ولی وقتی مساله حل مسائل و مشکلات مردم باشد، باید صبر کنیم، تا نگیرند و برزند و...

در اولین دفاعی حمله به کانون توحیدی بشارت ( ساعت ۹/۵ شب جمعه) به وسیله ی لفق با کلیه مراکز ملکسی: از کمیته منطقه ۱۵ ستاد ۱ گرفته تا کمیته مرکز و دفتر ریاست جمهوری تماس گرفتیم و

## سختی‌ها و تنگناهای کوتاه مدت راه‌رشد اقتصادی عادلانه

در خاتمه‌ی این مبحث، لازم



استاد مرکزی انجمن اسلامی منطقه ۱۰ جنوب شرق تهران صادر فرماد.

تاریخ: ۵۹/۲/۲۶

موضوع: ...

این سند در دست داشتن سند



# سخنان برادر مجاهد مسعود رجوی در جمع اسنادان دانشگاهها و مدارس عالی

آخرین قسمت

در شماردهای گذشته، سخنرانی از سخنرانی برادر مجاهد مسعود رجوی را که در جمع اسنادان دانشگاهها و مراکز آموزش عالی ایراد شده بود، درج کردیم. اما به سلسله مقالات تراکم مطالب نتوانستیم ادامهای این سخنرانی را در همان تاریخ بیاوریم. لیکن به دلیل نفاذی گروهی از خوانندگان که خواستار به پایان رساندن تبقیه این سخنرانی بودند، اکنون قسمت پایانی این سخنرانی را از نظر ثانی می‌گذاریم:

## آغاز تودهای شدن

بوعفت ویژه‌ما در این خلاصه می‌بود که از یک طرف به دلیل باسبیل رفتن و خصم‌های اندولورکی مار سیرس حساسیت‌ها روی ما است. البته این ویژگی برای ما نا آجانی که خودم در جراتس هستم و افعاً چیزی جز فشار و ستولت سرت نیست و بعضی وقت‌ها برام آور و کج کند است. چون اگر گروه کوچکی بودم که هنوز پایگاه رسد کمی خودش را دارد (صلا) رسد روستگری ۱۰۰۰ نفر مسئله می‌داسم. حساسیتی که رومان است به فقط به دلیل رسد روستگری دسفا" به دلیل آغاز تودهای شدن و باسبیل تودهایست و همه می‌داسم همین که یک سازمان انقلابی در هر کجای جهان از مرحله‌ی تودهای شدن رسد، دیگر نمی‌تود نابودتر کرد. متسلسل سازمان فتح فلسطین، و می‌حسب تودهای شد، می‌تود هرار و یک تلا سرت آورد، ولی نبود خواهد شد. و با الان رسدمان در حدی است که برای امپریالیزم خطرناک بوده و در نظر آنها در مر خط قرمز هستیم. برهاری خطر و ناگاههای داخلی اش که اگر از آن گذرم دیگر کاری نمی‌تود کرد. این است دلیل کثرت فشارها، حساسیت ها، سلسلهات، و این را بازها گفته‌اند که اگر می‌توانست مقامات رسمی با تیراچه اعلام کنند و افعاً هیچ اضاری در شرکت در انتخابات جارم، ولی طبیعی است می‌داسد که این نخواهد شد، چون ماون اساسی هم این اجازه را نمی‌دهد.

مرز بین انقلاب و ضد انقلاب  
سایران با امروز در معرض

کوباه کرد. حالا مردمان را بسا می‌کیم، و اما این بدایش در هر راه خودی به سدهای سزار عظم و حدی برخورد می‌کند. اگر می‌باید که اسحا می - بوسد شاه بله، مثلا مجاهدین به (عکس) را که از تالیوی یکی ارسبماهای سزار رسد شده است و در روی آن بوسه شده، ناهله، رجوی به شان بی‌دهد) را اینجا بر حتمه می‌گیرد. و الا آخر، نه هر حال ما به مسئول تک چیزی نلغی نوسم، حالا با تروهای فرغان با سبانداری فلاں جا و امانالم.

## یک سازمان انقلابی متعلق به تمام مردم است

از طرف دیگر باز هم به دلیل این که یک سازمان انقلابی با نام سراسر به چیزی متعلق به یک فرد، با گروه بلکه متعلق به تمامی خلقت و مخصوص اکابرین و هوشیارترین فترتی هست، به دلیل این که همی برها با دخرها، یا افراد این سازمان، برادران و خواهران خود نمی‌کنند. باز هم سب سستی به سناهی که گزارش در عمل کرد این حدس ما همانان (ده پاره ماهدی بعد از انقلاب) به اطلاع شما برسام که ما با به حال، یعنی تا به این لحظه موفق شدیم از خیلی از دام‌ها بگریزیم و سترسند خودمان را باز هم با من کیم. اما از این بعد سساله برابر از این است که فقط مسخره خود اعضا و هواداران شود. یک کوشش دسته‌جمعی می‌خواهد، چون مربوط به یک فکر عام و یک حسش مردمی است. بسیاری از سیاست‌ها بودند که می‌توانست دست ما را آن چنان سرد کند یا بدنها از دامن تودهی مردم دور سلسم ما سعی کردیم با اصل و فرع کردن مسائل انقلابی این خطر را بسا بکیم و به همین دلیل امروز در حد قابل قبولی برسیم و دیگر حساسیتی روی ما ساند.

## شاه آری، رجوی نه!

فلا اسحا و دیکتاتوری شاه  
دسفا ما از سوده‌های مردم

رسمی اقتصادی - اجتماعی و سیاسی - نظامی، بلکه دقیقا سیاسی در رسمی فرهنگی هم بمنداق داشته باشد. اما بحث بر سر تلفی انقلابی و اسلامی و مردمی از انقلاب فرهنگی است، که البته موضوع بحث خداگاه است و دوم در باره‌ی روش‌های است و از لحاظ روش شناختی، همه می‌داسم که روش‌های حصول به سستی از رضا خودی نفس کشنده کم و کیف این دریاقت هم هست، نه عسارت دیگر می‌تود روس را از مضمون و محوی چیزی که به دنبال دریافتش هستیم جدا کرد، انتخابت که دسفا ما امروز ملغرم همه فشارها از ابدی رفس و تلاش برای رفس به مادر سوراها یعنی مجلس شورای ملی دفاع می‌کیم و به همین دلیل هم از سوراها مردمی در همه جا و خصوص در دانشگاه‌ها خطاب می‌کیم سورا عمر لازم و قطعی خودی را که آگاهست به طریق اولی دارد سار - اس چه کسی ساسر برای انجام این انقلاب است؟ سلسفا سنا برای هر نوع نظرواهی یا سایر جهادهای انقلابی آماده هستند، سلسفا سنا برای هر مردمی یا سرفهاری مختلف اجتماعی آماده هستند، و در این برده‌ی سستی سس چه می‌ماند، سس این خود سنا سسد که سستی سنا سنا را

چارو کنید، سوزاری کنید و در آن نظم سوسی را بسا کنید.

## آراء مردم

### و تجدید عهد دوباره

یکی از مواردی هم که ما برای آن، امروز به یک مبارزه‌ی سیاسی (برای دستیابی به سگرهای پارلمانی) دست زده‌ایم همین است. ما حتی اگر کسی بدست ماوروم اس میم نیست بر ما خود آراء مردمی - عهه خاصی هستند، چرا که خود آراء هم برای بسیاری از سربا، سیر هستند، و این همان کوشش و تلاش دسته‌جمعی است که امروز و فردا ما باید به آن اشغال داسه ساسم. آنچه می‌ماند این که می‌آورو کیم و از همه و اواخر در اینجا از حالت همه‌ی خواهران و برادران مجاهد تجدید عهد کنیم تا سنا که سرفهاری روستایی و علم را در سلسفای ما گاسند و نا آجانی که بقیهمم و نا آجا که در سوسان هست، سسر حداتی و خلعی را اداانه خواهیم داد و در این سزار هر ابزار و مذاکارتی که وضعه‌مان احبات کند سعی می‌کیم درج کنیم مستکرم

# پانزده خرداد تجربه‌ی خونین خلق (۲)

مدرسه فیمده بازم سگر اعتراض شده بود. طلاب فهیران، غلغرم احساق و فشار وحسناک سلسی، بر قرار فیمده برجم سرح لاله الاالله را برافرا سسد و بر درواں گارد را سباری گرفتند. سهر تم به بکار دیگر لکد. کوب جکیموسان آرابه‌ی سدر، رژیم همچون همیشه با صرت و ستم مردم، حرکت را فرسایند. صدها ظلمی جوان صدوم و مجروح و دستگیر سسد. دیمنه به اشغال جکیموسان درآمد و معطل شد. دستکهای سلسفای رژیم اعلام کردند که طلاب سغاریا کومیسسی می‌دادماند و از مدرسه‌ی فیمده رونق بازی و ستم - دسسی کتف شده است! این سسطو همسکی مردم فهیران است.

## آسیا نزد خرداد گورستان ملی رفرمیسیم (اصلاح طلبی)

سروک حوسن و قطعی خلق، اکثر چه باس آفرس بود، اما راه سترکوبه بحالده و جانده رسن ما رژیم را که به نام سبازده انجام می‌گرفت سست، و رسیده‌ی سبازده‌ی انقلابی فهیراسر و سلسفان را سدارک دسد، دیگر از اس سسروم اسسد که سترکوبه اصلاح و سغمری را با وجود رژیم شاه از دست دادند. وسد این سسجد رسسدند که با این رژیم به صبح وجد می‌توان کنار آمد، و این به سهوم به خاک سسرندن تاریخ رفرمیسیم و "سبازرات قانونی و اصلاح طلبانه" بود. اما سنا سس مردم سس از ۱۵ خرداد، نا سس از بی سسجکی اسگال کدسستی سبازده بود، که از این سس به صورت مقاومت سستی و بانگوت کامل رژیم، و بی تفاوتی سست به همه‌ی اقدامات سلسی و سلسفایی و ضد اکثریت سبازده سس به دروغق اسس واکتس سقی (باس) "اسسد فاطع بزی شکل گرفت و جسم انداز انقلاب را روستسرا ساحت مردم از اس سس حرکت و حسیتی را پذیرا می‌سسدند که به نابودی رژیم سسجد سسد، و این همان نقطه‌ی عطفی است که در اوج سسکت ۱۵ خرداد، راه سببوری را سناش می‌داد. و جسب است که سس از ۱۵ خرداد سبازده با شکل‌گیری سبازی گروهها و سبروهاری انقلابی روسرو می‌نوسم، که سناها به زبان گلوله با رژیم سس می‌گویند و نه با سسطو رفرم و پارلمان.

## آسیا نزد خرداد جنبش سسین انقلابی ایران سروک خونین و خشن ۱۵ بقیهدر صفحه ۷

بنامها و سسناش میبچ و توده بر - انگوس از اس سس در گاسنده سسندن نهضت به سناش توده‌های مردم نفس سبزانی داسد. ما در سست سسخت این بوسده به نفس بر اهست ایسان در قیام ۱۵ خرداد، که سسجر به دستگیری سناش شد. اساره کریم، امام بکوشش حامعی روحانست سترقی و نه همه توده‌های عظیمی که از اسرا و را سسارت خود می‌اسسند. در بازدهم بر داد سال ۴۲ از رسدان سسرت آباد آزاد سسندن، و سلسفانه در داودیه، واقع در ۱۲ کلوستری فهیران، سسخت نظر سترار گرفتند. اما باز هم فریاد ایسان، سسختات درد و مجروحیت خلق سروکوت شده و جاسوس را سس می‌داد. امام در ۲۳ ماه سال ۴۳ فاطمه در مقابل مصوب طرح خانسانه‌ی کابینولاسون اسنادگی کردند. و نا سسحرانی میبچی مردم را به ناهت اسسنداری اسس طرح آگاه سسوندند. ۹ روز سس از اسس سسحرانی، سسعد طولانی ایسان آغاز سد. امام در سسعدت به تقطقی آنال و آرزوهای خلق سسندندانی سسدلسد که در وجود و بازگست او رهائی و رسنگاری را می‌سسند. در تمام سسکوشده سال‌های ۵۷ - ۶۰ رهبری و سسخت اسسناش به عنوان سسمل طلی سنا سباری و سترت، در ملال تودنهاری عظیم سنا سسخت سسخت نامت و به سسسخ و حرکت خلق، سسوانی بی نظیر داد.

## دستاوردهای قیام

سختی در ایسان سسادی از سسحاخذ در دسترسسد، سسندر طالبانی کیم، کسی که با سسمل سالیان دراز سسکجه و رسدان، در ارسنا سسکتبت و سسوان روحانست سسرتی و کتک به جسسب سسوس انقلابی، نفس سسزانی داسد.

## شکست یا پیروزی؟

روز هفدهم خرداد، به ظاهر تورش خوانیده است. علم، سسخت - وزیر شاه خاش، در مصاحبه با خبر - نگاران خارجی، سسطقو همسبکی - صد خلق را بکار می‌گیرد، و جسسب اصیل مردم را وابسته به بیگانه معرفی می‌نماید. و به اسس سسرتبت، هسوز ۴ ماه از رفردوم کدانی شاه نکدسه، توده‌های فقیر و سسرحسک سسبزی پاس دسدن سسکتی به مردم سسرتی‌های رژیم می‌دهند. و ناهت اصلاحات به ظاهر مردمی ولی در واقع امیرنا - لیسستی اسس را رو می‌کسند. اس بزگرتسز پیروزی قیام مردم مردم خلق با سسناز چون قوم، ننگ سسولم و سسکوت در مقابل سسطنه‌های رژیم وابسته را سسیدروت و بر اسس رژیم و از با سسناش فریادزد.

التمه در کوباه مدت، رژیم برده‌ی ظاهری را ما سسرا بود. او بود که سسوانت با به راه انداختن حمام خون و نا کسناز بانگوس جوانان اسس میسب. قدرت بازمانده اسس را، چه در درون وجه در سسرون سسنتبت کرده و به اسس وسلسده سبروهاری سساز و توده‌های وحسب زردی مردم را به احسان صفت و سسوانی سسکساند، اسساعی قدر قدری و سسکت سسبذیری رژیم، با سسسوانه‌ی کسناز ۱۵ خرداد، برای بدت رسایی هم که سسده در راه حرکت توده‌های مردم سسکلانی حدی اسسجاد می‌کسد. البته سسکت سسقطی و نا سسکیمی توده‌ی سازمان سنا سسناهی که با دست خالی و فقط با طلی سسبرکسه و اسسناش به میدان سسکت قدرت خودگامی‌های برخاسنه بود، که در دسسی سسلاخ کسندده و در دست دیگر برک ظاهر - قریب "اصلاحات" کدانی را داسد سسندان سسرتطبیعی و سسیرمنتظره سسبظر سسمی رسسد. رژیم با اسس برک، سسوانت سسبازی از سبروهاری مخالفت را مات کرده، و افلا نا سسندی هر چند کوباه اسسناز و طبقاتی از مردم را سسفرسند.

کسیده سسندن بودی کسرتی از مردم و سسطنه روحانست سسرتی، به مبارزه‌ی رودرو با رژیم، می‌تواند در نوع خود به عنوان یک پیروزی محسوب شود، که به ارسنا سسجربدی مبارزاتی مردم کتک به سسزانی نمود. روحانست مبارز، برای اولین بار، سسین از کودتای سسنگین آمریکایی، در جریان مبارزات سال‌های ۴۲ - ۴۰ وارد میدان عمل شد و به سسلسع سیاسی و سسسیج مردم برداخت، امام جسینی در اسس سسین روحانست، با

از صفحه اول

# مردم سالروز قیام ۱۵ خرداد را گرامی داشتند

سروک کسندگان در طول سسبزر راهبیمایی وسسندا" در حساسان‌های انقلاب و طالبانی سسار می‌داسند. برخی از اسس سسارها جسسب بود: وای اگر جسسب حکم جهادم دهد ارتش سسنا سسناوند که حوام دهد \* \* \* \* \* عمر من الله و فتح قریب \* \* \* \* \* مرگ بر آمریکای مردم فهیر \* \* \* \* \* اسلام، اسلام سببور است. کارتر، کارتر نابود است. با سسبج مردم در دستکته فهیران مراسمی که سسوسط سسناد سبزرگاری مراسم سسدارک دسده شده بود، در صبح ۱۰ صبح با قرائت بیام امام جسینی به سسامت سالروز ۱۵ خرداد آغاز شد و نا سسحرانی آفای هاشمی رسسختانی ادامه ناسد. سترک کسندگان در فواصل

\*\*\*



تجیه رصفحه اول

# "خلعید"

## و آغاز حکومت ملی دکتر مصدق

در این پیشنهاد مصدق هشدار داد که اگر دولت انگلستان دست از سیاست خود نمیی بر وقت گذرانی فشار اقتصادی و ممانعت از فروش نفت بردارد، دولت ایران از هرگونه اقدامی هر چند که منجر به قطع روابط سیاسی شود، فروگذار نمی‌گردد.

دولت‌های آمریکا و انگلیس به تنها از قبول پیشنهادات دکتر مصدق سر باز زدند، بلکه به کمک حیره خواران داخلی‌شان، نوظهی ایجاد شکاف در صفوف خلق و سرکوب نهضت ملی دکتر مصدق را دامن زدند.

چماق بدستان وابسته، زمیندهی سقوط دکتر مصدق را آماده می‌کنند.

یکماه پس از قیام سی‌سویز، اغتشاشات حساب‌شده‌ای از طرف دستجات ساطور به دست و جاقوب کس وابسته به دربار آغاز شد. این گروه‌ها که از جانب نظامیان نیز حمایت می‌شدند، با حمله به سازمان‌ها و اجزای سیاسی و آتش زدن بساط روزنامه‌فروشی‌ها و حمله به اداره‌ی روابط فرهنگی ایران و سوری و اداره‌ی بازرگانی محارساتان، جو منتشخ و آرامی را ایجاد کرده و زمینه را برای یک کودتای نظامی آماده می‌ساختند.

نهمی دوم شهریور سال ۱۳۰۱، نوظه‌ی یک کودتا از جانب برخی از امیران ارتش و افسران بارنشنه‌ی ارتش و عده‌ای از نمایندگان مجلس و ساانورها، کشف و خنثی گردید. در پشت این کودتا دست نوظه‌نگره آقای میدلتون (کاردار سفارت انگلیس) پنهان بود.

اوائل اسفند همان سال رجالف‌های درباری، با بسج دسته‌های چاقو کتن و قنداره‌بند، به قصد کشتن دکتر مصدق به منزل وی حمله کردند.

۲۴ مهر دولت مصدق روابط سیاسی خود را با انگلستان قطع کرد. البته شاه با کمک سفیر کبیر آمریکا در ایران حداکثر کوشش خود را برای جلوگیری از قطع رابطه به کار برد، اما کوشش او به جایی نرسید.

اول آبان ماه مجلس سنا - این لایه‌ی خاوسان و واسگنان - توسط مجلس شورای ملی منحل شد. چهاردهم آبان زوال آرزینهار و ریاست جمهوری آمریکا برگزیده شد و بلافاصله وزارت خارجه‌ی آمریکا طی سامبهای، دست شرکت‌های نفتی مستقل آمریکا را - البته به شرط قبول مسئولیت‌های ناشی از اقدامات‌شان! - در خرید نفت ایران بازگذاشت. این مامور در عین اینکه تهدیدی امتیازخواهانه در مقابل انگلیس بود، "تلوچا" در حکم تهدیدی هم برای این شرکت‌ها به شمار می‌رفت، و به همین دلیل شرکت‌های بزرگ نفتی آمریکا اعلام کردند که مایل به خرید نفت از ایران نمی‌باشند.

ایران زبان‌های بزرگی را نیز در بر دارد. منجمله ایجاد شکاف در بلوک آتلانتیک شمالی و تشویق کشورهای نفت‌خیزی چون عربستان، عراق و کویت به سرکشی در مقابل شرکت‌های نفتی آمریکایی و در هم شکستن نظم مسفر نفتی (معنی تقسیم ظاهری ۵۰-۵۰ منافع) به زبان آمریکا و انگلستان. لذا در صددیت با قانون به ماده‌ی "خلع بد" نا انگلیس اتفاق - نظر داشت. تلاش آمریکا در این بود که اولاً دولت ایران را به بستن سیاسی خودش امبدوار نگهدارد، و بدین‌وسله هم مانع گزانش و حرکات حاد و بنیادی در ایران گردد و هم ایران را از پیش‌گرفتن سیاست مستقلی در مورد نفت مانع شده و پیشنهادات خودش را به نایب و قبول ایران برساند. و ثانیاً "دولت انگلیس را به قول" پیشنهادات ایران (که در حقیقت همان نیت و پیشنهادات آمریکا است) وادار نماید، و به این وسیله دست کارتل‌های آمریکایی را در غارت نفت ایران کاملاً باز کند.

البته دولت آمریکا، نمی‌توانست مشکلاتی را که به دلیل نفوذ عمیق بریتانیا در میان سیاستمداران خاورمیانه برایش منصور بود فراموش کند. آنتونی ایدن طی سخنانی در مجلس انگلیس به تاریخ ۱۸ آذرماه گفته بود که: "... انگلیس منافع و حقوق خود را به آمریکا واگذار نمی‌کند... دولت‌های دیگر هر تصمیمی... اتخاذ کنند مانع از آن نخواهد شد که دولت انگلیس به تعهدات خود در فبال شرکت انگلیسی عمل نکند."

به همین دلیل دولت آمریکا در کنار مانورهای تهدید آمیزی همچون دادن اجازه‌ی فعالیت نفتی در ایران به کارتل‌های آمریکایی و فرستادن ویلیام جونز به ایران مذاکره با انگلیس را نیز فعلا نه دنبال می‌کرد. در همین ماه یک مامور عالی‌رتبه - ی وزارت امور خارجه‌ی آمریکا به نام بلنستر به لندن رفت تا به قول محلی نیوزویک "برای رفع محاصره‌ی اقتصادی ایران، فشار بسیزی بر انگلیس وارد سازد". البته رفع محاصره‌ی اقتصادی، به قول ایدن یعنی "قرار گرفتن شرکت‌های نفتی آمریکایی به جای شرکت سابق ایران و انگلیس".

در این هنگام که وزیران خارجه‌ی آمریکا و انگلیس و فرانسه در شوری وزیران آتلانتیک گرد آمده بودند، مسئله‌ی نفت ایران در خارج از کنفرانس مطرح و بررسی گردید. اجسن (وزیر امور خارجه‌ی آمریکا) پیشنهاد کرد که شرکتی بنام "شرکت نفت ایران و آمریکا" با مشارکت شرکت‌های آمریکایی و شرکت نفت، ملی ایران تأسیس گردد، و محصولات نفتی هم توسط شرکت سابق نفت ایران و انگلیس و هم شرکت‌های آمریکایی به طور جداگانه‌ای خریداری شود. در عوض غرامت شرکت سابق نفت توسط شرکت‌های آمریکایی نفت و بانک بین‌المللی پرداخت گردد. چکیده‌ی این پیشنهاد یعنی نشستن آمریکا به جای انگلیس در ایران!

البته دولت انگلیس نیز غرامت کلانی را به عنوان عدم‌النفع تا سال ۱۹۹۳ طلب می‌کرد. دولت آمریکا نیز بارها تلاش کرده بود که با راضی کردن مصدق و کشاندن مساله‌ی غرامت به دیوان بین‌المللی لاهه، این مانع را هم از پیش‌پای شرکت‌های آمریکایی بردارد، ولی سرسختی مصدق در این مورد، سد بزرگی بر سر راه آمریکا شده بود.

و به همین دلیل بود که وقتی مصدق در اوج ناسامانی‌های اقتصادی از دولت آمریکا تقاضای کمک کرد جناب آرنه‌اور مساله‌ی غرامت را علم کرد و گفت "... هرگاه بنا بود صرفاً بر مبنای از دست رفتن... ترکی که ملی شده است مساله‌ی غرامت حل گردد، این ترتیب راه حلی خواهد بود که بنوان آن را عادلانه خواند... آرنه‌اور می‌خواست با پرداخت غرامت کلان عدم‌النفع از کیمسی ملت محروم ایران، انگلستان را به عقب‌نشینی در مقابل نظام امپریالیستی آمریکا راضی کند. بی‌دلیل نیست که در همین پیام، آرنه‌اور تجزیم خرید نفت از ایران را بار دیگر تأیید کرد و خیلی مودبانه گفت: "... بسیاری از مردم آمریکا، تا وقتی که اختلاف نفت حل و فصل نگردیده است، با خرید نفت از طرف حکومت ایالات متحده عمیقاً مخالفت خواهند کرد..."

### امپریالیست‌ها در پی توپکده‌ی کودتا

در اسفندماه سال ۱۳۰۱، وزرای خارجه‌ی آمریکا و انگلیس، برای رسیدگی به مسائل "فوری و غیر عادی" خاورمیانه، در واشنگتن گرد هم آمدند. در این کنفرانس نمایندگان هر دو قدرت امپریالیستی مابین نتیجه رسیدند که چون دولت مصدق دست از نظریاتی که مسمانی منافع شرکت‌های نفتی است، بر نمی‌دارد، دیگر ادامه‌ی مذاکرات با دولت ایران بی‌فایده است. از این پس تلاش برای ساقط کردن دولت مصدق از راه زور به طور جدی پی‌گیری شد. سفارت آمریکا وظیفه‌ی نوظه‌جینی را بحای سفارت انگلیس به عهده گرفت و نام‌هایی از این طریق با مخالفین مصدق در مجلس و با عناصر وارده و بریده‌دست امید برقرار شد.

سال ۳۱ پایان یافت، در حالی که به تدریج نوظه‌ی کودتا در ذهن جیره‌خواران استعمار قوت می‌گرفت. اول اردیبهشت سال ۳۲، سرنتیب افشار طوس رئیس شهرتانی کل کشور که طرفدار مصدق و مخالف دربار بود، به وسیله‌ی عوامل دربار و بعد از تحمل شکنجه‌های وحشیانه به قتل رسید.

س‌ام تیر سال ۳۲، در جریان مینتنگه‌های با شکوه مردم، آنچه جلب نظر می‌کرد، نفرت و نفقار در صفوف مبارزین بود. نیروهای ارتجاعی وابسته به دربار، با دامن زدن به تضادهای فرعی زمیندهی یک کودتای نظامی و سقوط مصدق را آماده می‌کردند.

و بالاخره روز ۲۸ مرداد همین سال، عول جهان‌خوار آمریکا با کودتا بر علیه حکومت ملی دکتر مصدق، به خیال خودش، "این راه را در جاشی سدود کرد."

تحمیل قرار داد کنسرسیوم و خلع ید از شرکت ملی نفت ایران

با سقوط دکتر مصدق و حاکمیت کودتاگران، جریان ملی شدن واقعی صنعت نفت عمیق ماند و غارت منابع نفتی ما به طرز شدیدیرو به دست قدرت‌های امپریالیستی و در رأس آنها آمریکا از سر گرفته شد. حکومت کودتا، چندماه پس از استقرار (یعنی در ۱۴ آذرماه ۱۳۳۲)، مجدداً با دولت انگلستان رابطه‌ی سیاسی برقرار کرد و چهار روز بعد از این، نیکسون معاون رئیس جمهور آمریکا، به تهران آمد تا حاصل نوظه‌ی ننگین امپریالیسم را از نزدیک ببیند و به زودی دولت‌های آمریکا و انگلیس، برای غارت ثروت ملی ما، دست به تشکیل کنسرسیومی مرکب از شرکت‌های بزرگ نفتی آمریکا، فرانسه، هلند و شرکت سابق نفت جنسوب (شرکت نفت ایران و انگلیس) زدند البته حدود یکسال طول کشید تا لاشخواران بین‌المللی بر سر تقسیم شکار به توافق برسند. نتیجه‌ی این "تقسیم عادلانه!" چنین بود: شرکت‌های نفتی آمریکا ۴۰٪، شرکت انگلیس و ایران ۴۰٪، شرکت نفت هلندی-انگلیسی ۱۴٪ و شرکت نفت فرانسه ۶٪. البته شرکت نفت انگلیس و ایران به دلیل شریک بودن در سهام شرکت‌های دیگر، بزرگترین سهامدار کنسرسیوم گردید. امپریا - لیوم بیز انگلیس با جنگ و دندان تلاش می‌کرد که نفوق خودش را در دنیای غارتگران حفظ کند. دولت آمریکا نیز خیلی "شردوستانه!" و به قول محلی سپهران مصدق (مروح ۲۳ بهمن ۳۲)، "با نوجه به اهمیت وضع ایران و برای این که دولت ایران با فروش نفت خود بتواند به وضع اقتصادی و مالی خود سر و صرتی دهد... حاضر شد قانون صد تراست را لغو کند تا شرکت‌های آمریکایی برای خرید نفت ایران اقدام کنند..."

و به این ترتیب دولت کودتا با سپردن اختیار اکتشاف، استخراج، تصفیه و کلا بهره‌برداری نفت جنوب و نیز حق استفاده از زمین، آب، مواد معدنی و نیز حق ایجاد خطوط آهن، بنادر، تلفن، تلگراف، بی‌سیم، تسهیلات هوایی و نیز حق داوری به دادگاه‌های خارجی (یعنی نوعی کاپیتولاسیون) و نیز "... بسج کنسرسیوم" قراردادی به مراتب ننگین‌تر از امتیازنامه‌ی ۱۹۳۳ به ملت ما تحمیل کرد، و با این کار در حقیقت از شرکت ملی نفت ایران خلع ید کرد و آن را در خدمت کنسرسیوم درآورد!

تازه شاع عطیاتی و حوزه‌ی امتیاز کنسرسیوم به مراتب بیشتر و وسیع‌تر از حوزه‌ی فعالیت شرکت سابق نفت تعیین شده بود. افتخار امضای این قرارداد ننگین با آقای علی امینی وزیر دارائی دولت کودتا بود و به همین دلیل قرارداد، به نام "ببج - امینی" معروف گردید. دولت دست نشاندگی زاهدی برای آن که هیچ مانع قانونی بر سر راه وطن‌فروشی‌اش نباشد، با کمک

هلیون دلار! جمع کل وجوهی که به ایران (مالک اصلی نفت) پرداخت شده: ۴۵۰ میلیون دلار! میزان غرامتی که با انعقاد قرارداد کنسرسیوم ابتدائاً از ایران پس گرفته شد: ۴۰۰ میلیون دلار! میزان غرامتی که کنسرسیوم به نام سرفلی، از حساب ملت ایران به شرکت سابق پرداخت، یک میلیارد دلار! و این تازه قطره‌ای است از دریای غارت امپریالیسم. غاری که سوره‌ی استعمار و حسیابه‌ی خلق‌های تحت سلطه است.

بی‌دلیل بست که جرجیل در پیام شرکتی به شاه ناکند می‌کند که بستنای امبدحضرت درحل مسالده نفت، اهمیتی کرف داده و خواهد داد. و شاه سر در پاسخ پیام آرنه‌اور به سانسیت حل مسالده نفت می‌گوید: "... صاعذب آمریکا سبب به ما سباز به مومع و عهد بوده است. آن حضرت می‌نواند اطمینان داده باشد که یک‌های تقسیمی که حضرت رئیس جمهور حصا و دولتی آمریکا و عمر کسر سایسه‌ی آن حضرت آقای لوی هندرسن، به این منظور کرده‌اند، موجب کمال سبازگری است."

و بدین ترتیب به دست جنایتکار رژیم وابسته، سوره‌ی سالیان دراز رنج و مبارزه‌ی خلق پایمال حکمهای جهان‌خواران می‌گردد... دسان نفت، داسان رنج‌ها، مبارزات وفت و خیره‌های خلقی است که در نبرد با امپریالیسم، موجودیت و بقای خودش را می‌جوید، داسان سیداد و نوظه‌ی جهان‌خوارانی است که همچون زالو، هیچگاه از خون خلق‌ها سرباز نمی‌خورد. داسان عبرت‌آموز نسلی است که در لحظه - لحظه‌ی مبارزه‌اش به ما درس جهاد می‌آموزد. جهاد بی‌امان بر علیه امپریالیزم...

پایان

## پانزده خرداد تجربه‌ی ...

شرایط و ضرورت‌های تاریخی بعد از ۱۵ خرداد سال ۴۲، ولادت تاریخی و مکتبی سازمان محاهدین خلق ایران را محضت سیاستمداران پاک‌خاندان، امکان داد. آنان با مطالعه و تحقیق در مبارزات ۷۰ سادی اخیر ایران - اساسی‌ترین مفاصل مبارزات گذشته را بررسی کرده اصلی‌ترین علل شکست‌ها را مشخص نمودند، و درست برعکس کسانی که در آن‌ها با سرفرطی باس و افعال افتاده بودند، بر ضرورت و حقانیت مبارزه و حتمیت پیروزی آن بافترند و آنان طی دوسه سال مطالعه و تحقیق و جمع‌بندی (تا شهریور ۴۴) به این نتیجه رسیدند که نا آنجا که به رهبران و افشار آگاه مربوط می‌شود، تضاد اصلی مبارزات گذشته، که عامل شکست تمامی آنهاست، در پیچیدگی امر مبارزه و سادفاندندی رهبران "خلاصه می‌شود. این نقص، ضعف‌های دیگری را هم به دنبال نمودن مبارزات - انقلابی نبودن شکل مبارزه - علمی نبودن روش - فقدان یک سازمان و تشکیلات انقلابی در امر رهبری مبارزه - حرفه‌ای نبودن مبارزین ... آنان با شناخت صحیح از اصالت و بویائی تشیع سرخ، مبارزه‌ی مکتبی، سازمان یافته و مسلحانه را مبتنی بر پیشین توحیدی آغاز کردند، که در نوع خود، در این مرحله از تاریخ بشر، بی‌نظیر بود به جرات می‌توان آنان را فرزندان خلف و با شرف ۱۵ خرداد دانست، که از میان آتش و خون، سد پاس حاکم مسلحانه را گشودند.

### تاریخی تولد یادگولوژیکی

مجاهدین خلق

تجیه رصفحه ۶



# مشکل اصلی بر سر راه تعیین نخست وزیر چیست؟

مسئله نخست‌وزیری از جمله مسائلی است که این روزها، سوالات بسیاری را به ذهن متبادر می‌کند. چگونه است که تعیین نخست‌وزیر با موانع و مشکلاتی روبرو گشته، و تا این اندازه به تاخیر می‌افتد؟ و اصولاً این موانع و مشکلات چه هستند؟ چرا علیرغم تصریح قانون اساسی مبنی بر پیشنهاد نخست‌وزیر توسط رئیس‌جمهوری بازم برخی احزاب، محافل و اشخاص سعی دارند تا با معرفی گاندیداهایی برای نخست‌وزیری در راه انتخاب قانونی نخست‌وزیر سنگ‌اندازی کنند؟ مگر نه اینست که همان طور که شخص رئیس‌جمهوری نیز هشدار داده - کسانی می‌خواهند هر سه قوه مجریه، مقننه و قضائیه را در خود خلاصه کنند؟ و بر این اساس یا نقض قانونی که خود از تصویب کنندگان آن بودند مبادرت به معرفی گاندیدای نخست‌وزیری می‌کنند

جالب توجه اینجاست که تا کنون این قبیل اشخاص و محافل نیروهای انقلابی را مانع پارگرفتن نهادهای قانونی معرفی می‌کردند و با عنوان نمودن این مطلب سعی می‌کردند تا با استفاده از هر فرصتی نیروهای انقلابی را مورد حمله قرار دهند. در حالی که اکنون به خوبی شاهد هستیم که چه کسانی مانع پارگرفتن نهادهای قانونی کشورند چرا که انتخاب و تعیین نخست‌وزیر یکی از اساسی‌ترین قدمها در راه استقرار این نهادها و کلاً به جریان افتادن امور است. اکنون دیگر مشخص می‌شود که در واقع این عناصر و محافل انحصارطلب هستند که سعی می‌کنند به هر نحوی (حتی با نقض و نادیده گرفتن همان قوانین مصوب) نظارت و عنایر مطلوب خود را در هر زمینه‌ای تحمیل کنند و باز روشن می‌شود که برای این قبیل محافل آنچه که مهم است همان موقعیت‌ها و مناصب حکومتی و کلاً "قدرت" است، و در وای این هر ادعا و صحبتی که بشود چیزی جز دعای میان تپه و توجیه‌گری نیست. اینک پیش چشم شما یک نمونه بسیار بارز دیگری (صرف نظر از موارد پشت صحنه) از قدرت‌طلبی انحصارطلبان رخ می‌نماید که به طور حتم از دید ناظران و محافل و قدرت‌های خارجی نیز پنهان نبوده بلکه دقیقاً روی آن مطالعه و حساب می‌کنند. آیا انحصارطلبان بازم می‌توانند ادعا کنند که طالب ثبات اوضاع و نظم و انتظام و هماهنگی امور کشورند؟! -

انقلاب اسلامی (۲/۱۸) - استعفاي رئيس جمهور از امام: نظر به اوضاع کشور و مقابله با فاطح با طوطه‌ها، ضرور بدم که... خواهان سه اسر ريز شوم: ۱- انتحاب نخست وزير سا... تصويت امام: ۲- انقلاب اسلامی (۲/۲۵) - دکتر بهشتي گفت: "مسئله اساسی اینست که آیا تعیین یک نخست‌وزیر در آستانه‌ی شروع کار مجلس از نظر اصولی کار صحیحی هست یا نه (خصوصاً که تعیین این نخست‌وزیر همراه با تأیید خانی امام باشد)؟ این‌گرانی هست که بنادا این روی رای آزاد نمایندگان مردم در مجلس اثر نگذارد.

اینها مسئله‌ی اساسی است که طبعا نباید بدون توجه کافی به این نکات در یک چنین مسئله‌ی مهمی تصمیم گرفت. - دکتر بهشتي گفت: "با اینست که ضرورت اجاب می‌کند، حالا نخست‌وزیر انتخاب شود که شورای انقلاب او را انتخاب خواهد کرد و امام هم تأیید خواهد کرد، و اگر حالا هم ضرورت اجاب نکند، افلا" برای آینده روشن است که این دوستان مانظرشان با چه کسی موافق است و این یک مقداری برای رای‌ی نماینده موثر است. - انقلاب اسلامی (۲/۲۳) - هاشمی رفسنجانی در پایان جلسه شورای انقلاب گفت: "مشکل می‌دانم که این روزها نخست‌وزیر تعیین شود، وی افزود علت آن این است که تشکیل مجلس نزدیک است و هر کسی که انتخاب شود باید مجلس او را تأیید کند". - انقلاب اسلامی (۲/۲۳) - برای مردم این سؤال مطرح است که با توجه به اعلام موافقت امام با تعیین نخست‌وزیر، و با در نظر گرفتن اوضاع سیاسی کنونی، ملک که نشانگر نیاز مبرم به وجود یک بار و... برای رئیس‌جمهور نیست، چگونه است که این انتخاب با مانع روبرو شده و آن مسائلی که

## مصاحبه با محمد روزبان گاندیدای منتخب مردم مسجد سلیمان

در شرایطی که مجلس شورای ملی جلسات مقدماتی خود را تشکیل داده و رفته رفته می‌رود تا کار عادی خود را آغاز کند، هنوز سرنوشته اعتبارنامه‌ی محمد روزبان، نماینده‌ی منتخب مردم مسجد سلیمان در ابهام قرار دارد. نتیجه‌ی انتخابات مسجد سلیمان که برای برخی افراد و گروهها، غیر قابل تحمل و دور از انتظار بود؛ در صورت عدم هوشیاری نیروهای انقلابی، می‌توانست باعث آشفتگی‌های بسیاری در این شهر گردد. چرا که انحصارطلبان سران داشتند تا به هر قیمتی که شده، مانع ورود روزبان به مجلس شوند. اکنون نیز با بهانه‌های واهی، و این دست و آن دست کردن، سعی دارند به هدف نهایی خود، جامعه‌ی عمل بیوشانند. البته در آن صورت، جواب مردم قهرمان مسجد سلیمان را چه خواهند داد؟ در این رابطه، برادران ما در مسجد سلیمان، مصاحبه‌ی با محمد روزبان ترتیب داده‌اند، که توجه شما را بدان جلب می‌کنیم:

سوال - با توجه به این که نتایج انتخابات مسجد سلیمان از طریق وزارت کشور و هم چنین رادیو اعلام شده، و جلسات مجلس شورای ملی نیز تشکیل گردیده است، به چه دلایلی اعتبارنامه‌ی شما به عنوان نماینده‌ی مسجد سلیمان هنوز صادر نشده است؟

جواب - ابتدا باید پاسخ این سوال را از مسئولین امور خواست، که چرا روال طبیعی و قانونی انتخابات را غیر قانونی جلوه دادند؟ ولی فکر می‌کنم با توجه به جو حاکم و مسائلی که در مملکت در جریان است - که تماماً حاکی از برنامه‌ریزی‌های انحصارطلبانه‌ی وسیع است - چنین برخوردی با نماینده‌ی یک شهر که از حمایت یک سازمان انقلابی و افتخار وسیع مردمی نیز برخوردار می‌باشد امری طبیعی است. اما آیا این برخورد انحصارطلبانه در شرایطی که ما تحت فشار مستقیم "سیاسی - نظامی" و اقتصادی امپریالیستها و متحدان آنها هستیم، نتیجه‌ی جز خنده دار کردن محیط تفاهم‌بار سیاسی و شورایی، و وحدت کلیه نیروها و اقشار مختلف خلق در مبارزه علیه امپریالیزم دارد؟ محیط تفاهم - باری که اساس سرنوشته انقلاب ما بدان بستگی دارد، آیا این اعمال انحصارطلبانه باعث تجزیه و تفرق نیروها، و محروم کردن اقشار وسیعی از مردم از شرکت در مبارزه نخواهد شد؟ اگر به این سوالات جواب داده شود، خود به خود ضرورت‌های صادر شدن یا نشدن اعتبارنامه نیز مشخص میگردد.

برادر روزبان، مشکلات و گارتنگی‌هایی که در زمان انتخابات و بعد از جریان رای گیری ایجاد شده چه بوده است؟ - والله تا آنجا که اطلاع دارم انتخابات تا بعد از ظهر روز رای گیری روال عادی خود را طی کرده بود، حتی بنا به گفته‌ی یکی از اعضای

و همچنین خط مشی حزب جمهوری لازم است، به چند نکته اشاره شود: اول این که حربه‌ی که تنها خود را در خط امام می‌دانند، چگونه به خود اجازه می‌دهند - برخلاف خواست امام، که در پاسخ موافق به درخواست ۳ ماده‌ای رئیس‌جمهور، منعکس است، اظهار - نظر و عمل نمایند؟ آیا چنین بیانی متضمن آن نیست که حزب جمهوری آوردن و نگهداری برخی مقامات و پست‌ها برای حفظ موقعیت خویش است؟ و در این راه تا به آنجا پیش می‌رود که حتی نظر امام را نیز بی‌مورد می‌خواند؟ دوم این که در این بیانی آمده: "نیازی نیست برای تثبیت نظر خاصی دست به کارهایی از قبیل افکارسازی و تمهید مقدمات جهت قبولاندن چهره‌ای خاص زده شود و که...". آیا این بیانی و عضو مرکزی حزب جمهوری، می‌پرسم شما چرا در این شرایط دست به "افکارسازی و تمهید مقدمات" زده و نام افرادی را که مورد نظر خود و حزبتان هستند، در پاسخ خبرنگار کیهان عنوان می‌کنید؟

همانطور که می‌دانید به دلیل ریشه‌کن شدن همه‌جانبه‌ی سلطه‌ی امپریالیزم و نظام سرمایه‌داری وابستار جامعه‌ی ما و همچنین آمادگی شرایط عینی برای یک مبارزه‌ی ضد امپریالیستی، تنها حضور فعال نیروها، احزاب و سازمان‌های انقلابی در صحنه‌ی سیاسی، و همچنین اتحاد تمامی اقشار و طبقات خلق است که می‌تواند تداوم انقلاب ضد امپریالیستی را در مسیر صحیح و اصولی تضمین نماید. اما متأسفانه حاکمیت انحصارطلبان و وابستگاریان در متن نهادها و ارگان‌های هدایت‌کننده‌ی کشور، باعث رشد تفرقه‌ها و گاه فراموش کردن دشمن اصلی شده، که نتیجه‌ی جز دلسردی و بی‌تفاوتی اقشار وسیعی از مردم نباشد است که این در سر بزولی شرکت مردم در انتخابات مختلف دیده می‌شود. بنابراین سرنوشته انقلاب، عمدتاً در گرو عدم انحراف از مبارزه‌ی ضد امپریالیستی و جلوگیری از کشاندن شدن مبارزه به کانال‌های فرعی و انحرافی و عدم غفلت از دشمن اصلی است. هدف من نیز از کاندیداتوری مجلس جزئی جراحی‌هاست مسئولیت در مقابل این شرایط خاص نیست. من سرنوشته انقلابان نیستم. من فکر میکنم بتوانم در سنگر مجلس شورای ملی به نمایندگی از طرف مردم مبارز و عبور مسجد سلیمان، از خواست‌های به حق و واقعی مردم - که برنامه‌ی ۱۲ ماده‌ای مجاهدین خلق تبلور عینی آن در این مرحله است - دفاع نمایم.

منظور از غیرقانونی جلوه دادن روال انتخابات چیست؟ - دقیقاً "روشن است، چون در جریان شمارش آراء، متوجه شدیم

### اطلاعی شماره ۲ گان نون توحیدی بشارت

آخر الامر از اسبکه درگیری و سرگردانی در این سبکه وسیع اداری مملکت همچون بوب فونالی توسط مقامات مشول به ادارات و بوسات مختلف دولتی "حاکماری" تمام از نظر مامل وحشانه‌ی حمله و اشغال کانون توحیدی بشارت به یک مسئله کوچک که صرفاً در اثر قدرتی یک مت فلائز و به حمایت یک از چندتن افراد کمبینه منطقه‌ی "ساد یک" صورت گرفته باشد، بلکه اساساً "حاکمی توطئه‌ی گسترده‌تری است علیه نیروهای مترقی که عناصر فرصت‌طلب و مرتجع در طراحی و هدایت کردن جریانات فوق غش اول را ایفا می‌کنند. ما این عمل

هر بار که گروه‌بازی و تحاللات گروهی فایق آمده است، اداره‌ی امور مختل شده نگاهیه به چگونگی اداره‌ی وزارتخانه‌ها و... جای تردید نمی‌گذارد، که عده‌ای انقلاب را وسیله‌ی تحکیم قدرت شخصی تلقی می‌کنند... مسئولان را عبورک‌های خیمه‌شب‌بازی تلقی می‌کنند و می‌خواهند سرخ‌ها در دست خودشان باشد. - انقلاب اسلامی (۳/۱۲) - آیت‌الله لاهوتی راجع به معرفی موسوی کلانتری از سوی دکتر بهشتی به‌عنوان نخست‌وزیر گفت: "... آقای بهشتی در کاری که نباید اظهار نظر بکند، نظر می‌دهد، این عمل آقای بهشتی بر خلاف قانون اساسی است، چون قانون اساسی تصریح می‌کند که نخست‌وزیر را رئیس‌جمهور باید به مجلس معرفی کند، و این مجلس است که... راهی تأیید و یا عدم تأیید می‌دهد... قوه قضائیه در قوه‌ی مجریه نباید دخالت کند. - انقلاب اسلامی (۳/۱۴) - سرفاله از بنی‌صدر: "... ریاست جمهوری با من است، اما کم نیستند کسانی که می‌خواهند بدون داشتن مسئولیت‌ها، وظایف مرا

من از اکثریت آراء برخوردارم، سعی کردند بر خلاف قوانین مصوبه‌ی انتخابات، با صحنه سازی‌های خود چنان جلوه‌گر کنند، که چون شکایات زیادی از طرف مسئولین حوزه‌های انتخاباتی بعمل آمده، پس نتایج آراء نمی‌بایستی بلافاصله بعد از شمارش آراء اعلام شود. که این عملشان بر خلاف صورت جلسه‌های قبلی، که به امضا همی مسئولان حوزه‌ها رسیده بود، می‌باشد. حتی از طریق این صحنه سازی، و به کمک بعضی از اعضای انجمن نظارت مرکزی نوانسند، اعلام نتایج را ۷ روز به تعویق اندازند.

آینده‌ی انتخابات مسجد سلیمان را چگونه پیش بینی می‌کنید؟ - به نظر من مسائلی انتخابات مسجد سلیمان را نباید تنها به آن شهر یا استان مربوط کرد، بلکه این مسائله به مفهوم احترام به آراء مردم و ایمان به دموکراسی در کل جامعه‌ی ماست. طبیعتاً اگر با مسائله‌ی انتخاب شدن من توسط مردم برخورد صحیحی نشود، آن وقت مسئولین امور هستند که می‌بایست جواب مردمی را که با امید و آرزو به پای صندوق‌های رای می‌زنند، و به نماینده‌ی خودشان رای داده‌اند، بدهند. و مجلس شورای ملی در اولین قدم خود، با این آزمایش روبروست که آیا به رای مردم مسجد سلیمان احترام می‌گذارد یا نه؟ آیا پیمایی برای مردم مسجد سلیمان دارد؟ - من ضمن شکر از اعتمادی که مردم نسبت به من کرده‌اند، آرزو می‌کنم آن شایستگی را داشته باشم تا بتوانم مسئولیتی را که به عهده‌ی من گذاشته‌اند، به خوبی انجام دهم.

بقیه از صفحه ۸

احام دهند و وقتی هم خرابی به بار آمد تفسیرها را به گردن من بیاندازند... هستند کسانی که می‌خواهند هر سه قوه مجریه مقننه و قضائیه را در خود خلاصه کنند. اینها برای انقلاب خطرناکند و باید دست‌ازروبه‌ی خود بردارند و مردم باید دست آنها را کوتاه کنند. - انقلاب اسلامی (۳/۱۲) - از علاقمندان تقاضا می‌شود که گنگهای مالی خود برای سازمان مجاهدین خلق ایران را به حساب جاری شماره ۱۳۰۰ بانک صادرات شعبه ۴۵۱ واقع در پوچ شمیران واریز نمایند، و حواله آن را به صندوق پستی شماره ۶۴/۱۵۵ ارسال دارند. روزنامه "مجاهد" نشریه مجاهدین خلق ایران سال اول آدرس: تهران ۱۶ صندوق پستی شماره ۶۴/۱۵۵